پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

اطلاعیهٔ دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

شانزدهمین پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران اخیراً برگزار شد و با موفقیت کامل به کارهای خود پایان داد. یک رشته مسائل عمدهٔ سیاسی و سازمانی که برای فعالیت حزب در سرآغاز مرحلهٔ دوم انقلاب پیروزمند ملی و دموکراتیک خلق دارای اهمیت درجه اول است، در دستور کار پلنوم قرار داشت. عمده‌ترین آن‌ها به قرار زیرین است:

۱. گزارش هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به شانزدهمین پلنوم توسط رفیق کیانوری دبیر اول کمیتهٔ مرکزی؛

۲. پیشنهادهای پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به همهٔ نیروهای ملی و مترقی دربارهٔ تحول بنیادی جامعهٔ ما و ضرورت ایجاد جبههٔ متحد خلق؛

۳. اتخاذ یک رشته تصمیم در جهت تکمیل رهبری حزب.

پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی، با تأیید گزارش هیئت اجرائیه، گام مهمی در راه روشن ساختن مواضع سیاسی و خط مشی و وظائف مبرم حزب در شرایط بغرنج کنونی حیات اجتماعی و سیاسی ایران برداشت. گزارش مورد تصویب پلنوم، در بخش مربوط به وضع جهان، موضع‌گیری حزب ما را در یک رشته مسائل عمدهٔ بین‌المللی مشخص می‌سازد. در بخش عمدهٔ گزارش، خصلت ملی و دموکراتیک انقلاب ایران و علل بروز و اثرات عمیق آن در جامعهٔ ما و نتایجی که از این بررسی برای فعالیت آیندهٔ حزب ما ناشی می‌شود تشریح می‌گردد. متن این گزارش در مطبوعات حزب نشر خواهد یافت .

پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران پیشنهادهای مشخصی برای ایجاد تحول بنیادی در جامعهٔ ایران و بمنظور ایجاد «جبههٔ متحد خلق» به‌تصویب رساند. پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی بر آن است که این برنامه می‌تواند همهٔ نیروهای مدافع انقلاب ملی و دموکراتیک خلق قهرمان ایران را ـــ از مبارزان پیگیر راه آیت‌الله خمینی گرفته تا حزب تودهٔ ایران و سایر نیروهای انقلابی ـــ در یک جبههٔ متحد گرد آورد.

شانزدهمین پلنوم کمیتهٔ مرکزی، پس از تأیید این که بخشی از آنچه کمیتهٔ مرکزی بعنوان هدف‌های جنبش انقلابی ایران در برنامهٔ حزب بدرستی طرح کرده بود به همت انقلابی خلقهای ایران جامهٔ عمل پوشیده، به هیئت اجرائیه کمیتهٔ مرکزی مأموریت داد، با در نظر گرفتن این امر که اوضاع کشور ما و جهان از تاریخ تدوین این برنامه گام‌ها به جلو رفته و تحولات مثبتی در جهان و در میهن ما بوجود آمده، در کوتاه‌ترین مدت نوسازی ضرور را در متن برنامه تدارک ببیند و همچنین در اساسنامه متناسب با شرایط مشخص امروز، تغییرات لازم را وارد کند.

پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی طی قطعنامهٔ ویژه‌ای، تصمیمات اجلاسیهٔ ۲۳ دی‌ماه ۱۳۵۷ هیئت اجرائیه را دربارهٔ تغییر در ترکیب هیئت دبیران و هیئت اجرائیه، از جمله انتخاب رفیق کیانوری را به‌سمت دبیر اول کمیتهٔ مرکزی، مورد تأیید قرار داد.

علاوه بر اسناد مهم نامبرده، یک سلسله اسناد دیگر، از جمله پیامی خطاب به مردم مبارز و قهرمان ایران و نامه‌ای خطاب به کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست ویتنام، مورد تصویب پلنوم شانزدهم قرار گرفت.

بی‌شک پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی، چه از لحاظ ماهیت تصمیماتی که اتخاذ نموده است و چه از لحاظ سطح بالای اصولیت و وحدت نظر اعضای آن، مقام مهمی را در تاریخ حزب ما احراز خواهد کرد.

دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
اسفند ماه ۱۳۵۷

گزارش هیئت اجرائیه به شانزدهمین پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

رفقای عزیز،

گزارش هیئت اجرائیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران که اکنون به پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی حزب تقدیم می‌شود، شامل چهار بخش است. بخش اول متضمن یک بررسی اجمالی از وضع کنونی جهان، بخش دوم حاکی از یک بررسی از وضع کشور و جنبش انقلابی میهن ما، بخش سوم شمه‌ای دربارهٔ فعالیت سیاسی و سازمانی حزب در فاصلهٔ میان پلنوم پانزدهم و این پلنوم و سرانجام بخش چهارم طرح آن وظایفی است که در شرایط کنونی در برابر حزب ما قرار گرفته است.

ولی پیش از ورود به اصل مطلب، بجاست نکته‌ای چند دربارهٔ اهمیت لحظهٔ کنونی و پلنومی که اینک تشکیل شده است یادآور شویم:

جنبش انقلابی گسترده‌ای که از لحاظ بسیاری مختصات خود کم‌نظیر و سراسر میهن ما را فرا گرفته، به مرحلهٔ نخستین پیروزی خود دست یافته است. در این جنبش توده‌های چند میلیونی مردم در شهر و ده، با از خود گذشتگی، با پیگیری و بدون کوچکترین هراس از مرگ، برای رسیدن به هدف‌های والای ضدامپریالیستی و دموکراتیک، با اراده‌ای آهنین و روحیه‌ای حماسی، پا در میدان نبرد گذاشتند و رزمیدند.

مبارزات درخشان مردم ایران و پیروزی‌هائی که هم‌اکنون بدست آورده‌اند اعجاب و تحسین همهٔ انسان‌های شریف هوادار آزادی و پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان برانگیخته است و دل همه را با آرزوی کامیابی باز هم درخشان‌تر این جنبش در طپش نگاه می‌دارد.

آنچه این پیروزی تاریخی را ممکن ساخت، در درجهٔ اول ارادهٔ شکست‌ناپذیر و مبارزهٔ پیگیر مردم ایران بود. در کنار این عامل تعیین‌کننده، تغییرات عظیمی که در سال‌های اخیر در صحنهٔجهانی، در تناسب نیروها به‌زیان امپریالیسم و به‌سود نیروهای ضدامپریالیستی و دموکراتیک بوجود آمد، تأثیر عمیقی در ایجاد شرایط مساعد برای کامیابی مبارزات مردم ایران داشت. دشمنان بشریت، غارتگران امپریالیستی، مرتجعین و کارگزاران رنگارنگشان در جهان و ایران، که از به‌لرزه درآمدن و فروریختن یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های جنگ و تجاوز و غارت‌گری خود به‌وحشت افتاده‌اند، تمام تلاش خویش را برای جلوگیری از بسط و تحکیم پیروزی‌های بدست آمدهٔ این جنبش بکار می‌برند.

در چنین لحظه‌ای است که پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تشکیل می‌شود. روشن است که تشکیل پلنوم در این لحظات حساس تاریخی، وظایف بسیار با اهمیت و سنگینی را در برابرش مطرح می‌سازد.

پلنوم ما باید لحظهٔ کنونی را در جنبش انقلابی ایران همه‌جانبه مورد ارزیابی قرار دهد و وظایف حزب را برای یک مرحلهٔ بسیار پراهمیت تاریخی تعیین نماید.

آنچه ما در این اجلاسیه دربارهٔ آن تصمیم خواهیم گرفت سیاست حزب را برای یک دوران بس خطیر در تاریخ کشور ما و نقش حزب را در مجموع جنبش انقلابی ایران و نبردش را در راه استقلال ملی و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، در شرایط مشخص کنونی روشن خواهد ساخت.

امیدواریم و اطمینان داریم که پلنوم کمیتهٔ مرکزی وظایف فوق‌العاده مهم خود را با احساس مسئولیت تاریخی خویش انجام خواهد داد.

اینک پس از این مقدمهٔ مختصر دربارهٔ حساسیت لحظه و اهمیت جلسهٔ حاضر، اجازه دهید به بخش‌های اساسی گزارش بپردازیم:

۱. بررسی اجمالی از وضع جهان امروز

آنچه امروز در سراسر جهان می‌گذرد تأیید روشن از احکامی است که جنبش کمونیستی و کارگری جهان در کنفرانس عمومی سال ۱۹۶۹ خود بیان داشت و پیش‌بینی نمود و در برنامهٔ حزب تودهٔ ایران نیز منعکس است.

رویدادهای مختلف جهان امروز حاکی از آنست که بحران عمومی نظام سرمایه‌داری (که خود این بحران عمومی از دوران جنگ اول جهانی و انقلاب اکتبر آغاز گردیده بود)، پس از پیروزی جهانی ـ تاریخی اتحاد شوروی بر دد فاشیسم وارد مرحلهٔ دوم خود گردید. این بحران از چند سال بیش به این طرف (یعنی بویژه از سال‌های پنجاه و فروریختن نظام استعماری امپریالیستی) و این بار بدون جنگ وارد مرحلهٔ سوم خود شد و بیش از پیش رو به حدت می‌رود.

تشدید تضادهای درون اردوگاه امپریالیستی در گستره‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک و غیره سراسر نظام غارتگر امپریالیستی را در جهان با تب و لرز تازه‌ای دست به‌گریبان ساخت و اقدامات سراسیمهٔ زمامداران جهان امپریالیستی برای عنان زدن بر جلوه‌های مختلف بحران بیش از پیش بی‌ثمری خود را نشان می‌دهد.

تحت تأثیر این بحران و با تشدید بی‌سابقهٔ تضادهای امپریالیسم در مجموعهٔ خود، این نظام ستمگر و غارتگر در صحنهٔ جهانی دمبدم ضعیفتر می‌گردد و هارترین محافل تجاوزکار آن منفردتر می‌شوند و دامنهٔ امکانات امپریالیسم برای حفظ مواضع خویش تنگتر می‌گردد.

از سوی دیگر، جبههٔ عظیم نیروهای ضدامپریالیستی جهان گسترش روزافزونی می‌یابد و از لحاظ کمی و کیفی بیش از پیش نیرومند می‌شود. این تحول کمی و کیفی بطور چشمگیری در هر سه بخش جنبش گستردهٔ ضدامپریالیسیتی و انقلابی دوران ما، یعنی سوسیالیسم، جنبش انقلابی کارگری، جنبش رهایی‌بخش ملی، دیده می‌شود.

جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی در داخل خود، علیرغم برخی تأثیرات منفی بحرانهای رنگارنگ دنیای سرمایه‌داری، از رشد موزون و بدون بحران، از گسترش شکوفان در عرصه‌های مادی و معنوی برخوردار است. اعتبار و حیثیت این کشورها و در پیشاپیش آن‌ها اتحاد شوروی، که سنگر مقتدر جبههٔ عظیم نیروهای ضدامپریالیستی است، در میان خلق‌های سراسر جهان هر روز اوج بیشتری می‌گیرد.

سیاست جهانی جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی مبتنی است بر تحکیم صلح، همزیستی و خنثی ساختن دسیسه‌ها یعنی تشدید وخامت اوضاع بین‌المللی و تهیهٔ زمینهٔ مساعد برای تحمیل مسابقهٔ تسلیحاتی، تحمیل مجدد جنگ سرد در مناسبات بین‌المللی و به‌راه انداختن جنگ‌های منطقه‌ای و اگر قادر باشد حتی جنگ جهانی.

اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از راه مبارزه برای تحکیم صلح جهانی و همزیستی مسالمت‌آمیز، مبارزه برای محدود ساختن سلاح‌ها تا حد خلع سلاح عمومی، پشتیبانی همه‌جانبه از جنبش‌های آزادی‌بخش ملی، می‌کوشند تا این توطئه‌ها و دسیسه‌های امپریالیستی را عقیم سازند و صلح جهانی را به‌سوی پیروزی ببرند و خلع سلاح و در درجهٔ اول در زمینهٔ سلاح‌های استراتژیک را عملی کنند. رهبری حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی و بر رأس آن رفیق برژنف سیاست سرشار از ابتکار و پرنرمش و مبتنی بر اصولیت و علمیت عمیق را که از منافع بنیادی خلق‌های جهان ناشی می‌شود، در این زمینه دنبال می‌کنند. راز موفقیت بزرگ این سیاست خارجی لنینی درست در همین جاست که این سیاست همروند با مقتضیات تکامل تاریخی و هماهنگ با تمایلات خلق‌های جهان گام بر می‌دارد، لذا از پشتیبانی خلق‌ها برخوردار است.

بخش دیگر جبههٔ جهانی ضدامپریالیستی، یعنی جنبش‌های رهایی‌بخش ملی در سراسر کشورهای «دنیای سوم» در حال گسترش بیسابقه ایست. تنها در هشت سالی که از آغاز دههٔ ۷۰ می‌گذرد، دنیای ما شاهد پیروزی‌های عظیم خلق‌ها در ویتنام، لائوس، کامبوج، موزامبیک، گینه‌بیسائو، اتیوپی، افغانستان، یمن جنوبی، و غیره، و نیز کامیابی‌های بزرگ در مبارزهٔ خلق‌ها در برخی دیگر از کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین بوده است.

تقریباً در تمام کشورهای این بخش عظیم از جهان، جنبش نه‌تنها ما از لحاظ کمی قدرت بیشتری یافت، بلکه از لحاظ کیفی نیز به مراحل عالی‌تری از مبارزه برای استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی گام گذاشته است. نقش رهبری طبقهٔ کارگر در این جنبش‌ها هم از راه مستقیم و هم از راه غیرمستقیم یعنی از راه تأثیر معنوی جنبش کارگری جهانی هر روز بیشتر به عامل تعیین کننده‌ای در سیر تکامل جوامع بشری مبدل می‌گردد.

نه‌تنها در کشورهائی که از آنها نام بردیم، بلکه همچنین در کشورهای دیگر (مانند ماداگاسکار، جمهوری بنین، جمهوری گینه، تانزانیا، الجزایر و غیره) جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک گام‌های بزرگی به پیش و در جهت سمتگیری سوسیالیستی برای تکامل آیندهٔ جامعه برمی‌دارد. در اثر این تکامل شگرف، علیرغم کامیابی برخی توطئه‌های خائنانهٔ امپریالیستی مثلاً در شیلی، یا چرخش ارتجاعی در روش مصر و نظیر آن‌ها، پایه‌های تسلط غارتگرانه و تجاوزکارانهٔ امپریالیستی در «دنیای سوم» هر روز متزلزل‌تر می‌شود. حملات جنبش‌های رهائی‌بخش ملی بر این پایه‌ها هر روز گسترده‌تر و نیرومندتر می‌گردد .

بخش دیگر جبههٔ عظیم جهانی نیروهای ضدامپریالیستی یعنی جنبش کارگری و دموکراتیک در کشورهای سرمایه‌داری پیش‌افتاده با سرعت بیسابقه‌ای نسبت به سال‌های پیش در حال گسترش کمی و کیفی است. مبارزات طبقهٔ کارگر کشورهای امپریالیستی هم از جهت کمی و هم از جهت کیفی به ابعاد تازه‌ای دست یافته است. در این کشورها مبارزهٔ طبقهٔ کارگر دیگر در چهارچوب مطالبات روزمرهٔ اقتصادی باقی

نمی‌ماند، بلکه لزوم مبارزه با اثرات و عواقب ناگوار بهره‌جوئی انحصارهای سرمایه‌داری از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی به‌زیان طبقهٔ کارگر و سایر زحمتکشان، هر روز بیشتر بصورت مسئلهٔ حاد مبارزات طبقهٔ کارگر و سایر قشرهای زحمتکش جامعه در می‌آید و بیش از پیش ناتوانی سیستم سرمایه‌داری برای حل معضلات مزمن خود مانند تورم و بیکاری آشکار و ضرورت یک تحول بنیادی در نظام اجتماعی به ثبوت می‌رسد.

محافل حاکمهٔ سرمایه‌داری انحصاری کشورهای غربی که از این رشد کمی و کیفی جنبش کارگری به وحشت افتاده‌اند می‌کوشند تا آزادی‌های دموکراتیک را محدود سازند و در صورت امکان با تقویت گرایش نوفاشیستی، تا حد مسلط ساختن در پرده یا بی‌پردهٔ این گرایش‌ها بر سرنوشت سیاسی کشور، شرایط اجتماعی را برای تحمیل سیاست غارتگرانهٔ خویش و انداختن بار سنگین معضلات ناشی از بحران اقتصادی بر دوش زحمتکشان آماده سازند. در مقابل این توطئه محافل حاکمهٔ امپریالیستی مبارزهٔ نیروهای دموکراتیک جامعه هر روز شدت و گسترش بیشتری پیدا می‌کند.

پیروزی نیروهای دموکراتیک در پرتغال، یونان و اسپانی که با درهم کوفته شدن رژیم‌های فاشیستی توأم بود، علیرغم پشتیبانی محافل امپریالیستی از این رژیم‌ها، نمونه‌ای از گسترش مبارزات دموکراتیک در کشورهای سرمایه‌داری غرب است.

تبلیغات محافل امپریالیستی برای فریب خلق‌های خود، هر روز کم‌اثرتر می‌شود. بدین مناسبت بجاست یادآورشویم که علیرغم همهٔ تبلیغات محافل امپریالیستی ایالات متحدهٔ آمریکا و بویژه محافل وابسته به مجتمع نظامی ـ صنعتی علیه دوستی و همزیستی با اتحاد شوروی، در سال‌های اخیر تعداد هواداران گسترش این دوستی و همزیستی و تأییدکنندگان لزوم انعقاد هرچه زودتر قرارداد در زمینهٔ محدود کردن سلاح‌های استراتریک هسته‌ای پیوسته افزایش می‌یابد و طی آخرین همه‌پرسی آزمایشی اکنون ۸۰ درصد از مردم ایالات متحده را در بر می‌گیرد.

جنبش انقلابی کارگری در مقیاس جهانی راه رشد کیفی عمیقی را طی می‌کند. تردیدی نیست که این جنبش، که در شرایط بسیار متنوع و بصورتی هرچه خلاق‌تر عمل می‌کند، نه‌تنها وحدت رزمندهٔ خود را علیه امپریالیسم حفظ خواهد کرد، بلکه آن را بیش از پیش تحکیم و تعمیق خواهد نمود.

بدینسان می‌توان گفت که رشد پیگیر و بدون وقفهٔ همهٔ بخشهای جبههٔ عظیم نیروهای ضدامپریالیستی و انقلابی جهان، یکی از ویژگی‌های برجستهٔ تکامل تاریخی دوران ماست. ویژگی دیگر مرحلهٔ کنونی در آن است که به‌موازات نیرومندتر شدن بخش‌های نامبردهٔ جبههٔ عظیم نیروهای انقلابی و ضدامپریالیستی، پیوند همبستگی میان این سه بخش، علیرغم همهٔ دسیسه‌های محافل امپریالیستی، هر روز استوارتر و نیرومندتر می‌گردد. جنبش‌های‌رهائی‌بخش ملی، خواه در کشورهائی که استقلال و آزادی بدست آورده‌اند، خواه در کشورهائی که هنوز برای استقلال و آزادی نبرد می‌کنند، هر روز بیشتر به لزوم تحکیم این هم پیوستگی پی می‌برند و در این راه گام برمی‌دارند. این هم پیوستگی اکنون اهمیت بیشتری کسب می‌کند، زیرا از دیرزمانی رهبران کنونی چین راه انقلاب پرافتخار خلق چین را که بر پایه‌های نیرومند اتحاد با اتحاد جماهیر شوروی، پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و مبارزهٔ بی‌امان علیه امپریالیسم استوار بود، ترک گفته و به راه دشمنی آشکار با کشورهای

سوسیالیستی و جنبش‌های اصیل کارگری و جنبش‌های راستین رهائی‌بخش ملی و سازش بی‌پرده با سیاه‌ترین نیروهای امپریالیسم و ارتجاع گام گذاشته‌اند.

هدف این سیاست زیان‌بخش و خطرناک رهبران کنونی پکن، بطور روشن رسیدن به سیطرهٔ جهانی چین از راه تدارک بی‌پردهٔ یک ائتلاف جهانی از نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی و چین علیه اتحاد شوروی و روشن کردن آتش جنگ جهانسوز سوم جهانی است. رهبران چین که تا چند سال قبل نقاب ماوراء انقلابی بر چهره داشتند و اتحاد شوروی و سایرکشورهای سوسیالیستی و اکثریت احزاب کمونیستی و کارگری را به سازش با امپریالیسم متهم می‌نمودند، پس از آن که از این سیاست دورویانهٔ خود بهره‌ای نبردند نقاب از چهره برگرفتند و به سازش آشکار با جلادانی مانند شاه سابق ایران و فاشیست‌های شیلی، نژادپرستان آفریقای جنوبی و اسرائیل و با متجاوزترین و جنگ‌افروزترین محافل انحصاری بین‌المللی دست زدند.

این خیانت آشکار به مارکسیسم ـ لنینیسم، به انترناسیونالیسم پرولتری، به همبستگی زحمتکشان جهان علیه تجاوز امپریالیستی از طرف رهبران کنونی چین زیان‌های جبران‌ناپذیری به مبارزهٔ خلق‌ها در راه استقلال و آزادی و پیشرفت اجتماعی وارد ساخته و بدون تردید در آینده نیز وارد خواهد ساخت. ولی چنان که گفتیم و همانطور که امروز شاهد آن هستیم، مردم بیدار جهان چهرهٔ ناهنجار این خائنین به جنبش جهانی ضدامپریالیستی را شناخته‌اند و با تمام نیرو علیه تحریکاتشان مبارزه می‌کنند و مبارزه خواهند کرد.

رهبران پکن کار را به آنجا کشاندند که برای جلب حمایت محافل امپریالیستی به مشمئزکننده‌ترین تحریکات سیاسی و نظامی علیه همهٔ نیروهای مترقی جهان و بویژه علیه کشورهای سوسیالیستی همسایهٔ خود یعنی اتحاد شوروی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام دست زدند.

رهبران پکن گروه‌های منحط و آدمکش پول‌پوت و ینگ‌ساری را به حملات تجاوزکارانه علیه ویتنام تجهیز و تشویق نمودند و پس از شکست و سرنگونی این دارودسته ازطرف نیروهای جبههٔ مقاومت ملی کامبوج، حملهٔ مستقیم نظامی علیه ویتنام را تدارک دیدند و با نهایت بیشرمی به چنین تجاوزی دست زدند. این اقدام تبه‌کارانهٔ رهبران پکن علیه یک کشور سوسیالیستی قهرمان بدون شک خشم و نفرت همگانی جهان را علیه آنان شدیدتر خواهد کرد.

امروز شعار عمدهٔ سیاسی رهبران مرتد چین عبارتست از تشکیل جبههٔ متحدی از چین، آمریکا، اروپای غربی، ژاپن و همهٔ کشورهای ارتجاعی در «دنیای‌سوم» مانند شیلی و آفریقای جنوبی و اسرائیل و ... برای نابود کردن اتحاد شوروی و جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی. رهبران پکن اگر انتقادی هم به امپریالیسم داشته باشند در آنست که چرا برای سرکوب جنبش مردم با خشونت بیشتری عمل نمی‌کند! اظهاریهٔ دن سیائوپین در توکیو علیه جنبش ایران واقعاً سند ننگ این رهبران است. جا دارد ما اشمئزاز کامل خود را از این اظهارات در اینجا بیان داریم.

اینست سرانجام انحراف از اصول مارکسیسم ـ لنینیسم و از انترناسیونالیسم پرولتری ـــ خیانت آشکار به جنبش انقلابی.

موضعگیری محکوم‌کنندهٔ حزب کار آلبانی را که از آغاز انشعاب مائوئیستی از جنبشی جهانی کمونیستی پیگیرترین متحد رهبران چین بود می‌توان یکی از نشانه‌های گویای رسوائی سیاست خائنانهٔ رهبران کنونی چین دانست.

تردیدی نیست که این بار هم مانند گذشته توطئهٔ ننگین و اتحاد نامقدس امپریالیسم جهانی، رهبران ناسیونالیست و توسعه‌طلب چین، مرتجعین کشورهای زیر نفوذ امپریالیسم در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در مبارزه با جبههٔ نیرومند ضدامپریالیستی با ناکامی و ورشکست روبرو خواهد شد و این ناکامی اجتناب‌ناپذیر نیروهای ارتجاعی، آغاز مرحلهٔ تازه‌ای از پیشرفت پرشتاب و بازگشت‌ناپیر هواداران صلح و دموکراسی و سوسیالیسم در سراسر جهان خواهد بود.

۲. دربارهٔ جنبش انقلابی کنونی ایران

کلیهٔ رویدادهای ایران در جریان نزدیک به چهار سالی که از پلنوم پانزدهم کمیتهٔ مرکزی می‌گذرد، درستی ارزیابی‌های پلنوم کمیتهٔ مرکزی را مورد تأیید قرار داده است.

در این مدت سیاست رژیم سابق، در جهت هم‌پیوندی اقتصاد کشور ما با سرمایه‌های امپریالیستی هر روز بیشتر تشدید شد. ترور و اختناق بعنوان وسیله برای پیاده کردن سیاست ضدملی، ضددموکراتیک و غارتگرانه، باشدت بی‌سابقه‌ای بسط یافت و اسلوبهای فاشیستی آشکار بصورت روش رسمی و عینی رژیم در آمد.

سیاست نظامی‌گری و تسلیحات عنان‌گسیخته به اعلی درجهٔ شدت خود رسید. رژیم سرنگون شدهٔ پهلوی در کنار مرتجع‌ترین محافل جنگ‌طلب و غارتگر امپریالیستی و در نقش ژاندارم منطقه با توسل آشکار به روش‌های استیلاجویانه و مداخله‌گرانه علیه جنبش‌های رهائی‌بخش منطقه، هر روز بیشتر مسلح شد و امنیت منطقه را بخطر انداخت.

درآمد نفت بطور عمده برای اجرای این سیاست نظامی‌گری و تأمین تاراج بی‌بند و بار امپریالیسم و گردانندگان رژیم سابق مصرف گردید.

در پنج سال اخیر رژیم شاه نزدیک به ۳۸ میلیارد دلار از درآمد نفت را برای خرید اسلحه تلف کرده است، که نیمی از این مبلغ از آمریکا و نیم دیگر از انگلستان و آلمان غربی و فرانسه بوده است. ایران با وجود ضعف و عقب‌افتادگی عمومی اقتصادیش و با آنکه از هیچ سوئی مورد تهدید نظامی قرار نداشت، از لحاظ میزان و نوع و ارزش تسلیحات غیراتمی در دنیای سرمایه‌داری پس از ایالات متحدهٔ آمریکا مقام دوم را احراز کرد و حتی از این جهت از آلمان فدرال که بیش از شصت میلیون جمعیت دارد و یکی از ثروتمندترین کشورهای امپریالیستی جهان است، جلو افتاد.

به پیروی از این سیاست ضدملی، رژیم سابق ایران را بصورت یکی از سنگرهای مقدم جبههٔ عمومی جنگ و تجاوز امپریالیستی علیه اتحاد شوروی و خانواده کشورهای سوسیالیستی در آورد. در سال‌های اخیر تعداد کارشناسان آمریکائی برای تسلیحات و تجهیزات ارتش ایران از چهل هزار نفر تجاوز کرد و در حقیقت ارتش ایران به زائدهٔ ارتش آمریکا و مجری هدف‌های استراتژیک آن علیه اتحاد شوروی مبدل گردید. آمریکائی‌ها با پول نفت ایران در سراسر سرحدات ایران و شوروی که طبق ادعای خدعه‌گرانهٔ شاه سابق گویا «سرحدات دوستی و حسن تفاهم» بود،

مدرنترین دستگاه‌های جاسوسی خود را برای گرفتن اطلاعات از درون شوروی مستقر ساختند. طبق اظهار صریح مفسرین آمریکائی، ایران به مهمترین مرکز جهانی امپریالیسم برای گرفتن اطلاعات جاسوسی از شوروی بدل گردید.

در مورد غارت سرمایه‌های امپریالیستی کافیست این اعتراف محافل آمریکائی را یادآورشویم که سرمایه‌داران آمریکائی از هر دلار سرمایه‌گذاری در ایران، هرسال بیش از ۳ دلار سود خارج می‌ساختند (یعنی بیش از سیصد درصد). مقایسهٔ این عدد با سودهای عادی سرمایه‌ها در خود کشورهای امپریالیستی که از حدود ۱۰ ـ ۱۵ و یا در بهترین شرایط ۳۰ درصد تجاوز نمی‌کند، نشان‌دهندهٔ میزان غارت امپریالیستی است. این‌ها نیز واقعیات و ارقام افشاگر و محکوم‌کننده‌ای است.

در مورد غارتگری یک قشر کوچک بالائی یا الیگارشی ایران کافیست به این واقعیت اشاره شود که طبق آمار منتشره از طرف محافل اقتصادی آلمان غربی (که بدون تردید خود از هواداران و پشتیبانان رژیم غارتگر شاه سابق بوده‌اند) در ایران قشری که کمتر از یک صدم جمعیت را تشکیل می‌دهد، مالک بیش از ۸۰ درصد تمام ثروت ملی کشور بود، و با این‌که طبق ادعای شاه سابق گویا درآمد متوسط سرانه در ایران بیش از ۱۰ هزار تومان در سال بود، درآمد واقعی سرانهٔ بیش از ۹۰ درصد جمعیت ایران (یعنی دهقانان زحمتکش و کارگران) حداقل یک دوازدهم و حداکثر یک پنجم آن درآمد متوسط است و بقیه بطور عمده بوسیلهٔ امپریالیست‌ها و خاندان پهلوی، الیگارشی و عمال وابسته به آنها غارت شده و به بانک‌های کشورهای امپریالیستی انتقال یافته است.

برای آنکه روشن شود شاه سابق و رژیمش با ثروت ملی ما با چه روش راهزنانه‌ای رفتار کرده‌اند ذکر برخی ارقام بیفایده نیست:

از یکصد میلیارد دلار درآمد نفت ایران در پنج سال گذشته ۳۸ میلیارد برای خرید اسلحه از آمریکا، انگلستان، آلمان غربی و فرانسه بدور ریخته شده است، ۲۶ میلیارد دلار به کشورهای خارجی انتقال داده شده که سرنوشتش معلوم نیست. از ۳۶ میلیارد دلار بقیه که ظاهراً برای مخارج داخلی کشور مصرف شده است، بخش عمده‌اش را خانوادهٔ شاه سابق و دستیارانشان از راه مقاطعه‌کاری، انحصار خرید، و اعتبارات به جیب خود ریخته و به بانک‌های خارجی انتقال داده‌اند.

با این همه ثروت ارزی، اکنون ایران بیش از ۹ میلیارد دلار به بانکهای امپریالیستی مقروض است که بابت اصل و فرع آن سالیانه ۲ میلیارد دلار باید بپردازد. اینست نمونه‌هائی از سیاست خانمان‌سوز غارت امپریالیستی و ارتجاعی در ایران.

در نتیجهٔ این سیاست ضدملی و تاراجگرانه، اقتصاد ایران دچار بحران علاج ناپذیری گردید. پدیده‌های رکود، ورشکستگی در اقتصاد کشاورزی، در صنایع ملی هر روز شدت بیشتری یافت. تورم بی‌بندوبار (که در سال‌های اخیر به بیش از ۴۰ درصد در سال می‌رسید) شیرازهٔ اقتصاد کشور را از هم گسیخت. زندگی مردم، نه‌تنها قشرهای عظیم میلیونی زحمتکشان، بلکه حتی قشرهای متوسط شهری، که امکان برداشتن سهمی از انبوه عظیم غارت و چپاول را نداشتند، روز بروز بدتر و سخت‌تر گردید. در این شرایط بطور طبیعی جنبش اعتراضی قشرهای گوناگون مردم شدت گرفت. ولی رژیم سابق با توسل به اختناق سیاسی به دست ساواک حتی هر اعتصاب

کارگری ساده و هر جریان مطالباتی کارمندان را وحشیانه و با بربریت تبهکارانه‌ای سرکوب کرد و در اکثر موارد هرگونه مقاومت را بخون کشید.

بدتر شدن شرایط مادی زندگی مردم به‌شکل بیسابقه، تشدید روزافزون اختناق و ترور سیاسی، برملا شدن یغماگری عنان‌گسیخته سرمایه‌داری انحصاری امپریالیستی از جمله بدست ده‌ها هزار زالوی خون‌آشام که به‌نام کارشناس شیرهٔ حیاتی کشور را می‌مکیدند، و همچنین چپاول بی‌بندوبار شاه سابق و خانواده‌اش و دستیاران و کارگزاران رژیم دیکتاتوری با غارت سرمایه‌های بزرگ داخلی وابسته به امپریالیسم همراه با تأثیرات بحران سرمایه‌داری که رشد ناهنجار سرمایه‌داری وابسته آن را به شکل فلاکت‌آمیزی در جامعهٔ ایران منعکس می‌ساخت ــ همه و همه شرایط را برای آنکه ناخشنودی عمومی به سرحد انفجار برسد و وضع انقلابی در کشور ما پدید آید، آماده ساخت.

جنبش ناخشنودی و اعتراضی که دو سال گذشته تا سطح جنبش انقلابی و کم‌نظیری اعتلا یافت با مبارزات کارگران برای بهبود شرایط زندگی و مبارزات دانشجویان و جوانان برای استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی آغاز گردید. اعتصابات پرتوان کارگری که در بهار سال ۱۳۵۶ بویژه در شاهی و سمنان و تهران و کرج به اوج مبارزه جویانهٔ خود رسید و تنها با کمک نیروهای مسلح که این اعتصابها را بخون کشیدند سرکوب شد، و همچنین اعتصابات و تظاهرات پرادمنهٔ دانشجویان مبارز را می‌توان بدرستی طلایه و آغازگر جنبش انقلابی کنونی ایران دانست. با این اعتصابات و تظاهرات معلوم بود که عمده‌ترین تضادهای درون جامعهٔ ایران دیگر به درجه‌ای از حدت و شدت رسیده است که نه سیاست ترور و اختناق فاشیستی، نه عوامفریبی و ظاهرسازی و وعده‌های دروغ، هیچ‌کدام قادر به حل آن‌ها نخواهد بود.

بدینسان دوران تشدید بیسابقهٔ بحران همه‌جانبهٔ رژیم دیکتاتوری آغاز گردید.

تشدید روزافزون تضادهای آشتی‌ناپذیر ناشی از سیاست ضدملی، ضددموکراتیک و ضدخلقی رژیم شاه یکی پس از دیگری اقشار خلق را به میدان مبارزه برای هدف‌های ملی و دموکراتیک کشانید. مبارزهٔ سیاسی علنی علیه رژیم که با پخش تراکت‌ها و نامه‌های سرگشاده آغاز شده بود، بزودی بصورت مبارزهٔ وسیع خلق برای برانداختن رژیم سلطنتی، برای ریشه‌کن کردن تسلط نواستعماری امپریالیست‌ها و در پیشاپیش آن‌ها آمریکا، گسترش یافت.

در این چهارچوب باید یادآور شد که تحول اوضاع جهان و تغییر تناسب نیروها به‌زیان امپریالیسم و ارتجاع و به‌سود جبههٔ وسیع جهانی ضدامپریالیستی، یعنی جبههٔ کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و جنبش کارگری و دموکراتیک کشورهای سرمایه‌داری و نیز پیروزی‌های عظیم و چشم‌گیر جنبش‌های رهائی‌بخش ملی در سال‌های اخیر، پیروزی تاریخی خلق‌های ویتنام، لائوس، و کامبوج علیه امپریالیسم آمریکا، و دیگر پیروزی‌های این جنبش در آسیا و آفریقا تأثیر عمیقی در ایجاد شرایط مساعد و تشویق و تجهیز معنوی مبارزان راه استقلال و آزادی در ایران داشته است. در این‌باره جا دارد که بویژه و از آن جمله به پیروزی خلق برادر ما در انقلاب افغانستان اشاره کنیم.

یکی از عواملی که در پیشرفت انقلاب ایران در مقابل سیاست ضدانقلابی امپریالیستی آمریکا نقش شگرفی ایفا کرد، زنهارباش به‌موقع دولت اتحاد شوروی بود.

چنانکه می‌دانیم رفیق برژنف طی مصاحبه‌ای با مخبر پراودا تصریح کرد که اتحاد شوروی با هرگونه مداخلهٔ خارجی در حوادثی که در ایران می‌گذرد بهر شکلی هم که این مداخله انجام گیرد مخالف است و بر آنست که تنها مردم ایران صلاحیت و اختیار آن را دارند که دربارهٔ سرنوشت کشور خود تصمیم بگیرند. این زنهارباش و سیاست پیگیرانهٔ اتحاد شوروی در این زمینه مانع شد که امپریالیسم مانند روزگار گذشته سیاست توسل علنی به زور را علیه مردم ایران بکار بندد و به مردم ایران امکان داد که با دشمنان داخلی و خارجی ایران، به اتکاء مبارزهٔ فداکارانهٔ خود، عمل کنند.

مجموع تحولات جهانی ده سال اخیر که نمایانگر شکست‌های چشمگیر برای امپریالیست‌ها و بویژه امپریالیسم متجاوز آمریکاست، همواه با رسوا شدن سیاست خائنانهٔ رهبران کنونی چین که بی‌پرده سیاست ضدملی رژیم شاه را مورد پشتیبانی خود قرار دادند، به مبارزان راه استقلال و آزادی ایران نیرو بخشید و آنان را هر روز بیشتر به قدرت عظیم خود یعنی نیروی انقلابی خلق و به پیروزی نهائی خویش مطمئن ساخت.

یکی از مختصات مهم و جالب جنبش انقلابی کنونی ایران در آنست که این جنبش همهٔ طبقات و قشرهای خلق را دربر می‌گیرد.

توده‌های وسیع کارگران صنعتی و پیشه‌وری و خدمات از همان آغاز بطور فعال در مبارزات عموم خلق شرکت جستند و دوشادوش زحمتکشان فکری و خرده‌بورژوازی زحمتکش شهر به میدان مبارزات خیابانی گام نهادند. با این مبارزات، شرایط برای آن آماده شد که طبقهٔ کارگر صنعتی ایران بطور متشکل و یکپارچه وارد میدان گردد. مبارزات وسیع و متحد طبقهٔ کارگر ایران یکبار دیگر ژرف بودن سنن انقلابی و نقش اجتماعی پیشرو این طبقه و آبدیدگی و آگاهی آن را به نمایان‌ترین شکلی روشن ساخت. با اطمینان می‌توان گفت که در میان نیروهای محرکهٔ انقلاب کنونی کشور ما نقش طبقهٔ کارگر قهرمان ایران نقشی درجه اول بوده است. این امر خود از ضامن‌های مهم گسترش باز هم بیشتر انقلاب ملی و دموکراتیک و تعمیق آن در جهت خواستهای قشرهای وسیع مردم است.

در حساسترین لحظات جنبش انقلابی ایران، اعتصاب‌های سیاسی سراسری کارگران و کارمندان صنایع نفت جنوب آغاز گردید و این اعتصاب‌های پرافتخار کاری‌ترین ضربه را به رژیم خودکامهٔ شاه و امپریالیسم وارد ساخت. **اعتصاب کارگران نفت مرحلهٔ جدیدی از مبارزات خلق را که تا آن زمان تنها بصورت اجتماعات و تظاهرات خیابانی انجام می‌گرفت، آغاز کرد.**

در فاصلهٔ کوتاهی اعتصابات کارگری سراسر مؤسسات صنعتی کشور را در بر گرفت.

همگی این اعتصابات، شعارهای سیاسی روز و پذیرش همهٔ خواستهای جنبش ملی و دموکراتیک را در سرلوحهٔ مطالبات خویش قرار دادند. نه وعده‌های فریبندهٔ دولت‌های وقت، و نه اعمال فشار وحشیانهٔ قداره‌بندهای حکومت نظامی و گرازهای ساواک هیچ‌کدام نتوانستند در ارادهٔ تزلزل‌ناپذیر طبقهٔ کارگر ایران کوچکترین لرزشی بوجود آورند. طبقهٔ کارگر ایران با امکانات عظیم سیاسی و اجتماعی که در اختیار دارد در صفوف مقدم جبههٔ گستردهٔ جنبش انقلابی ایران، به پیش رفت و می‌رود و

بدون تردید در جریان تکامل آیندهٔ جنبش هر روز نقش بارزتر و تعیین‌کننده‌تری را بدست خواهد آورد.

برخلاف پندارهای واهی رژیم سابق که تصور می‌کرد دهقانان ایران را با اصلاحات نیم‌بند خود به ذخیرهٔ سلطنت مستبده مبدل کرده، در اثر محرومیت‌های فراوان و در نتیجهٔ بحران عمیق کشاورزی ایران و سیاست ضددهقانی رژیم سابق، دهقانان یکی از نیروهای مهم اجتماعی مخالف رژیم استبدادی و تسلط امپریالیستی هستند و لذا در جنبش ملی و دموکراتیک کنونی شرکت فعال داشتند و دارند.

اصلاحات ارضی نیم‌بند رژیم پهلوی، سود زمینداران بزرگ را تأمین نمود. و علاوه بر آن، دست غارتگران امپریالیستی را در اقتصاد کشاورزی ایران باز کرد. سیاست ضدملی شاه در زمینهٔ کشاورزی بر این پایه استوار بود که اولاً اعتبارات وسیع دولتی را در اختیار زمینداران بزرگ و شرکت‌های بزرگ تولید کشاورزی متعلق به بستگان شاه و سایر سرکردگان رژیم بگذارد و ثانیاً راه را برای ورود بی‌بندوبار محصولات کشاورزی مورد احتیاج روزمره از کشورهای امپریالیستی و وابستگانشان باز کند و اقتصاد کشور و نان روزانهٔ مردم را به این کشورها وابسته سازد. این سیاست ضدملی موجب شد که اقتصاد قشرهای وسیع کشاورزان خرده‌پا و متوسط رو به نابودی و ورشکستگی رفت و سیل عظیم دهقانان گرسنه و بیکار به‌سوی شهرها سرازیر گردید.

همین دهقانان به‌شهر آمده که به تعداد صدها هزار در گودال‌ها و زاغه‌ها و کلبه‌های گلی در «حلبی آباد»ها و «زور آباد»ها و یا در زیر چادر با دردناکترین شرایط فقر و محرومیت بسر می‌بردند و می‌برند و اکثراً با توسل به اشتغالات فصلی نانی بدست می‌آورند، بخشی از مبارزان جنبش انقلابی ملی و دموکراتیک را تشکیل می‌دهند.

مبارزات انقلابی که در یکسال اخیر با سرعت بیسابقه‌ای در شهرها گسترش یافت در ماه‌های اخیر به روستاها سرایت کرد و به‌سرعت به اوج خود رسید تا آنجا که کارگران کشاورزی و دهقانان در برخی از املاک متعلق به خانوادهٔ شاه سابق به ابتکار خود به تقسیم انقلابی زمین‌ها و وسائل کشاورزی دست زدند. در برابر رشد جنبش مبارزاتی دهقانان، ژاندارم‌ها از اکثر دهات گریختند و خود دهقانان با برگزیدن شوراهای ده امور داخلی خود و استقرار نظم را بعهده گرفتند.

خرده‌بورژوازی شهر، یعنی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان کوچک که بر اثر سیاست ضدملی اقتصادی درهای باز رژیم شاه و تورم شتابان ناشی از آن،اختناق و فشار ساواک، غارت مالیاتی و رشوه‌گیری که در جریان به‌اصطلاح مبارزه با گران‌فروشی به اوج خود رسید، تحت فشار شدید قرار گرفته بودند، هر روز بیشتر بسوی عصیان علیه رژیم کشانده شدند. قشرهای دیگر متوسط شهری مانند کارمندان پائین و میان‌رتبهٔ دولتی، کارکنان مؤسسات بخش خصوصی هم تحت تأثیر غارت بی‌بندوبار سرمایه‌های امپریالیستی و طبقات حاکمهٔ وابسته به امپریالیسم از یکسو و تأثیر گرانی روزافزون هزینهٔ زندگی و اختناق سیاسی از سوی دیگر، کارد به استخوانشان رسید و به حالت عصیانی درآمدند. نقش اعتصابات کارمندان مؤسسات عمومی و خصوصی برای فلج کردن دولتهای دست‌نشاندهٔ شاه نقش چشمگیری است که نظایر آن در انقلابات کمتر دیده شده است.

روشنفکران ایران یعنی نویسندگان و هنرمندان و روزنامه نگاران و استادان دانشگاه و دبیران و آموزگاران و مهندسین و پزشکان و حقوق‌دانان و غیره، به استثنای گروه کوچکی که به هیئت حاکمت وابسته بودند، از همان آغاز جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک کنونی نقش فعالی داشته‌اند و گام به گام فعالتر شده و در صفوف مقدم جنبش جای گرفته‌اند. بویژه باید از نقش دانشگاهیان و دانشجویان در این جنبش یاد کرد.

در تجهیز روشنفکران و دانشجویان، علاوه بر عوامل اقتصادی، مسئلهٔ استقلال و حاکمیت ملی، تسلط وقیحانهٔ امپریالیست‌ها و بویژه نقش مستشاران آمریکائی در جامعهٔ ایران که مانند ارتش اشغالگر عالیترین مزایا را بخود تخصیص داده بودند، تسط فرهنگ نواستعماری بر فرهنگ ملی که به‌زور دستگاه اختناق و تبلیغات شاه اعمال می‌شد، نقش بسیار مؤثری داشته است.

سرمایه‌داران ملی ایران هم که زیر فشار خردکنندهٔ سرمایه‌های امپریالیستی و غارت گردانندگان و وابستگان رژیم شاه، یعنی طبقات حاکمهٔ وابسته به امپریالیسم قرار داشتند، هر روز بیشر به‌سوی ورشکستگی می‌رفتند و در عین حال می‌دیدند که چگونه ثروت‌های عظیم کشور هر سال به میزان میلیارد میلیارد دلار به حساب این غارتگران به بانک‌های خارجی منتقل و یا برای خرید سلاح‌های بی‌مصرف و نگهداری یک ارتش عظیم و ساختن پایگاه‌های نظامی مورد احتیاج امپریالیست‌ها و پرداخت بی‌حساب مخارج «کارشناسان» آمریکائی بدور ریخته می‌شود.

سرمایه‌داری ملی در اثر مشاهدهٔ این وضع هر روز بیشتر به صفوف ناراضیان پیوست و فعالانه در مبارزه برای برانداختن رژیم اختناق شاه و خاتمه دادن به غارت و تسلط امپریالیست‌ها شرکت کرد.

اینکه در جنبش انقلابی کنونی روحانیت مترقی و مبارز ضدرریم نقش مهمی ایفا کرده است، پدیده‌ای غیرعادی نیست. بطور عمده شرایط عینی جامعهٔ ایران است که چنین وضعی را ایجاد کرده و مسلماً برخی عوامل ذهنی نیز موجب تقویت آن گردیده است.

مذهب تشیع از لحاظ تاریخی در ایران دارای سنن خلقی و ضدسیطرهٔ خارجی بوده است و در دوره‌های گوناگون به پرچم معنوی مبارزه برای دفع استیلای کشورهای اشغالگر بیگانه بدل شده است. بسیاری از احکام اجتماعی اسلام، بطور عینی، بویژه در جریان تکامل فکری اخیر آن، دارای گرایش‌های مترقی است و از لحاظ سمت مطالباتی خود با خواست‌های قشرهای وسیع خلق برای آزادی و استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مطابقت پیدا می‌کند.

طی ۲۵ سال گذشته روحانیون تنها گروهی بودند که به‌مراتب بیش از همهٔ گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی دیگر اجتماعی امکان آن را داشتند که از راه مساجد و جلسات مذهبی، که رژیم جرئت حملهٔ وسیع به آنها را نداشت، با مردم تماس برقرار کنند و افکار خود را در میان مردم تبلیغ نمایند، در حالی که حزب تودهٔ ایران و سایر سازمان‌های سیاسی در معرض شدیدترین اشکال فشار و اختناق قرار داشتند. بدین ترتیب برخی از روحانیون مترقی در تماس با مردم توانستند بسیاری از افکار اجتماعی خود را در جامهٔ مذهب عرضه کنند و آن را در اذهان عمومی رخنه دهند.

گروهی از روحانیون مترقی به رهبری **آیت‌الله خمینی** طی یک دوران طولانی در مواضع روشن ضد رژیم استبدادی شاه و ضد سیطرهٔ امپریالیسم (که کشور را هر روز

بیشتر به جولانگاه غارتگری و پایگاه تجاوز نظامی خود مبدل ساخت) قرار گرفتند و در این راه شعارهای خود را، که بازتاب خواست‌های اکثریت مردم کشور بود، مطرح ساختند.

طی سالیان گذشته، علیرغم فشار و اختناق نیرومند رژیم سابق، حزب ما فعالیت سیاسی و تبلیغاتی وسیعی داشته و نقش بزرگی از جهت بذرافشانی انقلابی و راهگشائی ایفا کرده است. روشن است که شرکت طبقات و قشرهای گوناگون خلق در جنبش انقلابی ایران در عین اینکه زیر شعارهای مشترک ملی و دموکراتیک و خلقی گسترش یافته و می‌یابد، دارای انگیزه‌های همگون و همانند نیست. هر یک از آن‌ها با انگیزه ویژه و خواست‌های طبقاتی خود در این جنبش شرکت می‌نماید. ولی آنچه در مرحلهٔ کنونی شاخص جنبش انقلابی ایران است، شعارهای عمومی جنبش است. این شعارها که کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در اعلامیهٔ تاریخی ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ خود آن‌ها را بعنوان شعارهای جبههٔ متحد نیروهای ملی و دموکراتیک پیشنهاد کرد، اکنون بصورت خواست‌های عمومی جنبش خلق مطرح است.

حال این سئوال پیش می‌آید: آن یکپارچگی که جنبش انقلابی ایران در جریان سرنگون کردن رژیم از خود نشان داد تا چه وقت ادامه خواهد یافت و موضعگیری اقشار و طبقات گوناگون در جریان تحول آینده چگونه خواهد بود؟

تردیدی نیست که رسیدن به همهٔ هدف‌هائی که جنبش انقلابی هم‌اکنون در مقابل خود قرار داده است، بویژه تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی که از آن ناشی می‌شود، کار امروز و فردا نیست. علاوه بر این، حل مشکلات بسیاری بعنوان آثار شوم رژیم ضدملی، ضددموکراتیک و غارتگر شاه باقی مانده است، و مشکلاتی که بدون تردید در آینده امپریالیست‌ها بر سر راه تکامل مستقلانه و دموکراتیک میهن ما قرار خواهند داد کار آسانی نیست. مسلماً اجرای این وظایف بمراتب دشوارتر از وظایف دورهٔ اول انقلاب، یعنی درهم شکستن نظام منفور سلطنتی، ریشه‌کن کردن تسلط امپریالیسم و استقرار جمهوری خواهد بود.

در راه حل این مشکلات بدون تردید تغییراتی در مواضع طبقات و گروه‌های اجتماعی که امروز در جنبش شرکت می‌نمایند، بوجود خواهد آمد.

مسلم آنست که طبقهٔ کارگر و به‌همراه این طبقه سایر قشرهای زحمتکش شهر و روستا، با تمام قوا برای رسیدن به همهٔ هدف‌هائی که انقلاب ملی و دموکراتیک در پیش دارد تلاش خواهند کرد و تا آخر پیگیرانه در مواضع انقلابی خواهند ایستاد. طبقهٔ کارگر و حزبش، حزب تودهٔ ایران، تمام امکانات خود را بکار خواهند انداخت تا جبههٔ متحدی که در عمل از همهٔ طبقات و اقشار ملی و آزادیخواه بوجود آمده، اتحاد خود را حفظ نماید و دسیسه‌های گوناگون دشمنی را که می‌کوشد با استفادهٔ مستقیم و غیرمستقیم از عناصر و محافل سازشکار یا افراطی این اتحاد را متزلزل سازد، عقیم گذارد.

امروز دیگر در سراسر جهان کسی نیست که به اهمیت جهانی و تاریخی رویدادهای انقلابی ایران پی نبرده باشد. با توجه به اهمیت بزرگ کشور ما در صحنهٔ سیاست جهانی، تغییر در وضع سیاسی ایران تأثیر بسزائی در تغییر توازن نیروها خواهد داشت. زیرا:

ـــ ایران یکی از بزرگترین منابع مواد خام فوق‌العاده ذیقیمت، بویژه نفت، گاز و انواع فلزات پربها در مقیاس جهانی است؛

ـــ ایران در نقطهٔ کلیدی منطقه‌ای از جهان قرار گرفته که بخش عمدهٔ مواد خام تأمین‌کنندهٔ انرژی کشورهای امپریالیستی از آنجا بدست می‌آید؛
ـــ ایران همسایهٔ جنوبی اتحاد شوروی است و همین نکته امپریالیست‌ها را در استفاده از ایران بعنوان پایگاه تجاوز علیه همسایهٔ بزرگ شمالی ما از خود بی‌خود ساخته است.

این ویژگی‌های عمدهٔ موقعیت جغرافیائی و امکانات اقتصادی و همچنین توجه به امکانات انسانی ایران در منطقهٔ خلیج فارس موجب شد که امپریالیسم طی ده‌ها سال تمام تلاش خود را بکار اندازد تا این کشور به یکی از «محکمترین» و «با ثبات‌ترین» پایگاه‌های جهانی غارت و تجاوز وی، به ژاندارم منطقه، به یکی از محکمترین حلقه‌های زنجیر محاصره و پایگاه جاسوسی، تحریک و تهدید، و پایگاه تجاوز علیه شوروی بدل شود و بتواند روی آن با اطمینان و بدون دغدغه حساب کند.

ولی به حیرت و تأسف عمیق دسیسه‌کاران امپریالیستی، یکباره و در مدت بسیار کوتاه، همهٔ این حساب‌ها غلط از آب در آمد: «جزیرهٔ اثبات» منطقه به مرکز آتشفشانی و سهمگین‌ترین زلزله‌ها تبدیل شد. این وضع پایه‌های تسلط امریالیستی را نه‌تنها در ایران، بلکه در یک رشته از کشورهای مجاور مورد جدی‌ترین تهدیدها قرار داده است.

با پیروزی مردم ایران در این نبرد تاریخی و با پیدایش ایرانی مستقل و آزاد، یک نمونهٔ روشن دیگر در برابر خلق‌های محروم از کشورهائی که هنوز زیر سلطهٔ امپریالیسم و ارتجاع‌اند، تجلی می‌کند. این پیروزی به آنان ندا می‌دهد «خلق‌ها! بپا خیزید! شما نیروی آن را دارید که امپریالیست‌های غارتگر و مزدوران دزد و فاسدشان را با مبارزه و پایداری قهرمانانهٔ خود به زانو درآورید و راه زندگی آزاد و مستقل و خوشبخت را در برابر خود بگشایید!»

با پیروزی مردم ایران و پیدایش ایرانی صلحدوست، فشار اختناق‌آور «ژاندارم منطقه» از جنبش‌های رهائی‌بخش ملی کشورهای این منطقه به‌یکبار برداشته می‌شود.

با پیروزی مردم ایران یکبار دیگر در برابر مردم کشورهای «دنیای سوم» این واقعیت روشن می‌گردد که امپریالیسم، با همهٔ لاف و گزافش، دیگر توانائی گذشته را ندارد و نمی‌تواند، هر قدر هم برایش زیانبار باشد، در برابر اقتدار روزافزون جبههٔ نیرومند ضدامپریالیستی جهان، از عهدهٔ اجرای وعده‌های پرطمطراق خویش در حمایت از ستمگران و غارتگران و جنایتکاران، برآید. این پیروزی حتی عناصر واقع‌بین هیئت حاکمهٔ کشورهائی را که تاکنون یکجانبه به امیریالیسم اتکا داشتند، بفکر می‌اندازد، چنانکه هم‌اکنون بفکر انداخته است.

با پیروزی جنبش ملی و دموکراتیک در ایران و ایجاد یک جمهوری غیرمتعهد، زنجیر پیمان‌های نظامی امپریالیستی در یکی از حساسترین حلقه‌هایش از هم گسسته خواهد شد و بالنتیجه تعادلی را که امپریالیسم می‌کوشد با دست حکومت متجاوز و نژادپرست اسرائیل در تمام خاورمیانه عربی بوجود آورد، بهم خواهد زد. بدین‌سان مردم ایران با انقلاب پیروزمند خود نقش مهمی را در حفظ و تحکیم صلح جهانی ایفا کرده‌اند.

سخن کوتاه! پیروزی جنبش ملی و دموکراتیک ایران تأثیر ژرف و گسترده و دراز مدتی در سراسر جهان باقی خواهد گذاشت و در ترازوی تناسب نیروها به‌زیان اردوگاه امپریالیسم و بسود جبههٔ نیرومند ضدامپریالیستی جهانی تغییر محسوسی بوجود خواهد آورد. طبیعی است که برای تأمین پیروزی نهایی این انقلاب حفظ اتحاد نیروها و هشیاری انقلابی و ادامهٔ مبارزه برای نیل به هدف‌های ملی و دموکراتیک انقلاب برای خنثی‌کردن توطئهٔ امپریالیسم و ارتجاع شرط ضرور و حیاتی است.

۳. فعالیت حزب در میان دو پلنوم

دوران بین پلنوم پانزدهم و این پلنوم کمیتهٔ مرکزی، یکی از طوفانی‌ترین دوران‌های تاریخ دوران معامر میهن ما بود. رهبری حزب در مقابل مسائل بغرنجی از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی قرار گرفت و امروز می‌توان گفت که، علیرغم مشکلات فراوان داخلی و خارجی، در مجموع خود با موفقیت از عهدهٔ انجام وظایفی که از طرف پلنوم پانزدهم به او واگذار شده بود، برآمد. فعالیت حزب را در دو زمینه، در زمینهٔ فعالیت سیاسی و در زمینهٔ کار تشکیلاتی، مورد بررسی کوتاه قرار می‌دهیم.

۱. در زمینهٔ فعالیت سیاسی

بطورکلی در فاصلهٔ بین دو پلنوم، هیئت اجرائیه کوشید خط‌مشی سیاسی تعیین شده از طرف پلنوم پانزدهم کمیتهٔ مرکزی را، که محتوی اساسی آن تشدید مبارزهٔ همه‌جانبه در راه رسیدن به مبرم‌ترین هدف جنبش انقلابی ایران در مرحلهٔ کنونی، یعنی سرنگونی رژیم ضدملی و ضددموکراتیک و ضدخلقی شاه سابق بود، در شرایط مشخص ایران پیاده کند. هیئت اجرائیه کوشید همهٔ نیروهای ملی و دموکراتیک را در جبههٔ متحدی گرد هم آورد.

در این زمینه ما کوشش‌هائی انجام دادیم. درست است که در سطح رهبری سازمان‌ها و گروه‌های مبارز انقلابی چنین جبهه‌ای هنوز بوجود نیامده، ولی در سطح توده‌ها، از همان آغاز گسترش پرشتاب جنبش، این جبهه در عمده‌ترین شعارها، در مبارزهٔ روزمره با روشنی کامل بوجود آمد و روز بروز محکم‌تر شد. این جبههٔ اتحاد خلق برای استقلال و آزادی، علیرغم همهٔ توطئه‌های تفرقه‌اندازانهٔ رژیم ساواکی شاه و امپریالیست‌ها، هر روز محکم‌تر گردید و در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، که آخرین حملهٔ قهرمانانهٔ خلق علیه آخرین دژهای رژیم آغاز گردید، بصورت همکاری مسلحانهٔ همهٔ گردان‌های مبارز خلق در جبههٔ متحد، شکل یافت و پیروزی تاریخی کم‌نظیر و بیسابقه‌ای را برای جنبش انقلابی ایران تأمین کرد.

بدون اینکه بخواهیم بخود ببالیم، این واقعیتی است که برنامهٔ پیشنهادی روشن کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در اعلامیهٔ ۱۳ شهریور برای تشکیل جبههٔ ضددیکتاتوری، در متبلور ساختن شعارهای همهٔ جنبش تأثیر بسزائی داشته است. تقریباً همهٔ شعارهای پیشنهادی کمیتهٔ مرکزی، که تجلی خواست اکثریت مطلق میهن‌پرستان و آزادیخواهان ایران بود، با رنگهای گوناگون، بصورت شعار عمومی و متحد همهٔ جنبش انقلابی در آمد.

جریان رویدادهای انقلابی آخرین روزهای حکومت بختیار و سرانجام قیام انقلابی تاریخی ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷، با روشنی درستی اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب را در مورد لزوم تدارک مبارزهٔ مسلحانه برای مقابله با دسیسه‌های کودتائی و درهم شکستن آخرین دژهای رژیم و امپریالیسم نشان داد.

شعارهائی که از طرف حزب ما مطرح شد، چکیدهٔ برنامهٔ سیاسی حزب تودهٔ ایران و انطباق آن بر شرایط مشخص مرحلهٔ کنونی جنبش ملی و دموکراتیک ایرانست. **حزب طبقهٔ کارگر ایران حق دارد تأکید کند که اولین سازمان سیاسی ایران بود که با تمام صراحت و بدون ترس از همهٔ فشارهای ددمنشانهٔ رژیم سابق، لزوم برانداختن نظام جنایتکار و پوسیده و خیانت‌پیشهٔ سلطنتی را، بعنوان اولین گام اساسی برای آغاز تغییرات بنیادی در جامعهٔ ایران به سوی استقلال، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، مطرح کرد و با پیگیری در راه رسیدن به این هدف کوشید.** یادآوری کنیم که اولین پیام ما به نیروهای مسلح ایران برای سرنگون کردن رژیم خائن شاه شش سال پیش مقارن با حملهٔ ناجوانمردانهٔ ارتش مزدور شاه به مبارزان ظفار در عمان منتشر گردید.

امروز ما در ایران با چنین وضعی روبرو هستیم که، علیرغم همهٔ حملات دشمنانه‌ای که از طرف محافل ارتجاعی و امپریالیستی، از طرف وازدگان و طردشدگان از جنبش انقلابی راستین مارکسیستی ـ لنینیستی ایران، از طرف عناصر ناآگاه و بی‌تجربه و حتی از طرف گروه‌های ملی و مبارز دیگر که حزب تودهٔ ایران را رقیب خود در میان خلق می‌دانند، به حزب ما وارد شده و می‌شود. اعتبار و نفوذ حزب ما در میان خلق و بویژه در میان طبقهٔ کارگر و روشنفکران انقلابی ایران بطور محسوس نسبت به گذشته بالا رفته و هیچ‌کس در ایران و خارج، هر اندازه هم بکوشد تا صریحاً آن را بیان نکند، ولی تردید ندارد که حزب تودهٔ ایران یگانه سازمان راستین سیاسی طبقهٔ کارگر انقلابی ایران، یگانه سازمان پیگیر مارکسیست ـ لنینیست و هوادار انترناسیونالیسم پرولتری است که بصورت یک عامل سیاسی مهم در زندگی کنونی و آیندهٔ میهن ما با ریشه‌های محکم در میان خلق جای گرفته است. ما باید تمام کوشش خود را در این راه به‌کار اندازیم که با پیگیری در ادامهٔ راه درست، در راه تحکیم اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک، در جریان مبارزه برای بازگشت‌ناپذیر کردن پیروزی بزرگ تاریخی بدست آمده، در راه مبارزه برای تحکیم استقلال ملی، دموکراسی و تأمین حقوق زحمتکشان شهر و روستا، هر روز بیشتر اعتبار و نفوذ حزب را گسترش دهیم.

۲. در زمینهٔ کار تشکیلاتی

بطورکلی برای فعالیت تشکیلاتی هیئت اجرائیه می‌توان همان ارزیابی را مطرح کرد که دربارهٔ فعالیت سیاسی بیان شد، یعنی علیرغم مشکلات بزرگ عینی و ذهنی، که بویژه در دو سال اخیر در کار ما وجود داشت، کار تشکیلاتی حزب، که هدفش احیاء سازمان‌های حزب در ایران و گسترش فعالیت حزب در میان ایرانیان مقیم کشورهای سرمایه‌داری غرب بود، می‌تواند ترازنامهٔ مثبت و ثمربخشی را عرضه دارد. شعبهٔ تشکیلات کوشید با کار پیگیر، با راهنمائی‌های پلنوم پانزدهم، با مراعات اکید اصول پنهانکاری، کار احیاء سازمان‌های حزب را، که در دوران پلنوم پانزدهم هنوز اولین گام‌های خود را بر می‌داشت، با گام‌های قابل توجهی بجلو ببرد.

جای خوشبختی است که هیئت اجرائیه توانست، در مجموع خود، بر این دشواری‌ها فائق آید و در حساس‌ترین لحظهٔ تاریخ دوران معاصر حزب، وحدت نظر رهبری حزب را بر پایه‌های اصولی تأمین کند. از این لحاظ تصمیمات اجلاسیهٔ دیماه ۱۳۵۷ هیئت اجرائیه، برای مرحلهٔ کنونی پیشرفت حزب دارای اهمیت بسیار است و انعکاس مثبتی داشته است.

هیئت اجرائیه امیدوار است که همهٔ کادرهای فعال حزب و همهٔ رفقای حزبی با همان برخوردی با این تصمیمات روبرو شوند که هیئت اجرائیه در راه غلبه بر مشکلات پیش گرفت.

تأمین وحدت در صفوف رهبری حزب، بر پایهٔ اصول تزلزل‌ناپذیر زندگی حزب لنینی طبقهٔ کارگر، بموازات داشتن سیاست درست و بدون تزلزل، دو شرط اساسی و تعیین‌کننده برای ایجاد وحدت بین نیروهای راستین هوادار مارکسیسم ـ لنینیسم است و به‌نوبهٔ خود شرط اساسی تعیین‌کننده در تأمین اتحاد بین نیروهای ملی و انقلابی است.

بدور تأمین این دو شرط اساسی، از اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک دم زدن، فریادی است بی‌پشتوانه و توخالی.

دربارهٔ کارهای انجام گرفته در زمینهٔ احیاء سازمان‌های حزب در ایران، نکات زیرین را به اطلاع پلنوم می‌رسانیم:

مطابق تصمیم پلنوم گذشته پایهٔ کار سازمانی ما در ایران بر اصل عدم تمرکز مبتنی بوده است. با پیروی از این اصل، شعبهٔ تشکیلات با گروه‌های پراکنده‌ای در سراسر ایران تماس برقرار ساخت. این گروه‌ها، بخشی با فرستادن افرادی از فعالین حزب در اروپای باختری به ایران، و بخش دیگری از راه تماس گرفتن افراد و گروه‌هائی که در کشور فعالیت می‌کردند، با مرکز حزب، بوجود آمده‌اند.

انتشار روزنامهٔ نوید، که ابتدا در هزار شماره و در هفته‌های اخیر با تعدادی در حدود ۲۵۰ هزار شماره چاپ و پخش گردیده است، تأثیر فوق‌العاده مثبتی در بالا بردن حیثیت حزب، در بردن افکار و نظریات حزب به میان قشر قابل توجهی از مردم و بویژه در میان کارگران و روشنفکران و دانشجویان داشته است.

غیر از سازمان نوید، گروه‌های دیگر حزبی، با امکاناتی محدودتر، به انتشار نشریه‌هائی وابسته به حزب دست زده‌اند، مانند هفته‌نامهٔ «صدای مردم» و «اخگر». گروه‌های متعدد دیگری به تجدید چاپ نوید در ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ و گاهی ۲۰۰۰ نسخه اقدام کرده اند ـــ برخی با فتوکپی و برخی دیگر با تجدید چاپ مقالاتی از نوید.

پخش نشریات حزب که در گذشته تنها از راه فرستادن آنها از اروپا، از راه‌های مخفی، با اشکالات زیاد انجام می‌گرفت، در ماه‌های اخیر گسترش بی‌سابقه‌ای پیدا کرد، به این شکل که عده‌ای از هواداران حزب، و در مواردی هم بعضی مؤسسات خصوصی، به چاپ وسیع نشریات حزب دست زدند. تقریباً همهٔ کتب و بروشورهای حزب با تیراژهای بسیار بزرگ چاپ و در وسیعترین شکل در سراسر کشور پخش شده است. بعنوان یک نمونه می‌توان گفت که تا ۳ ماه پیش، مانیفست حزب کمونیست بیش از ۳۴۰ هزار نسخه چاپ و پخش شده است.

در ماه‌های اخیر گرایش به حزب گسترش بی‌سابقه‌ای پیدا کرده، و ما اطلاع داریم که در ایران گروه‌های متعدد توده‌ای وجود دارند که هنوز با مرکز حزب تماس نگرفته‌اند. این گروه‌ها با ابتکار خود فعالانه در جهت سیاست حزب عمل می‌کنند.

این مسلم است که تعداد وابستگان به حزب در ایران بمراتب بیشتر از آن گروه‌هائی است که تاکنون توانسته‌اند با مرکز حزب تماس بگیرند.

اکنون مسئلهٔ مبرمی که در برابر حزب قرار گرفته، آغاز فعالیت علنی حزب است. در این زمینه ما مشغول تدارک هستیم و هم‌اکنون اقدامات مشخص انجام گرفته که منتظر هستیم در آیندهٔ نزدیکی نتیجه بدهد.

۴. وظایف حزب در مرحلهٔ کنونی

۱. در زمینهٔ سیاسی

اولین و مهمترین وظیفهٔ حزب ما در این زمینه، کوشش در این راه است که با همکاری همه‌جانبه با همهٔ نیروهای راستین انقلابی خلق، و در درجهٔ اول با نیروهائی که تحت رهبری آیت‌الله خمینی قرار دارند، نهال جوان پیروزی بدست آمده را، که با خون ده‌ها هزار مبارز قهرمان آبیاری شده است، تحکیم کنیم و این نهال را هر روز ریشه‌دارتر و بارآورتر سازیم.

باید با تمام نیرو بکوشیم این کامیابی بزرگ تاریخی را، که بدون تردید دارای برد عظیم جهانی است، بازگشت‌ناپذیر کنیم. در این راه باید بویژه از تاریخ معاصر جنبش انقلابی ایران، از انقلاب مشروطیت گرفته تاکنون، و همچنین از جنبش‌های انقلابی سایر خلق‌ها، چه آنهائی که پرچم پیروزی را در کشورهای خود برافراشته، چه آن‌ها که با ناکامی و شکست روبرو گشته‌اند، بیاموزیم و باز هم بیاموزیم.

جنبش ما با مسائل بسیار بغرنجی روبرو است. امپریالیسم و ارتجاع ایران، که هنوز سنگرهای محکمی را در دستگاه‌های دولتی و در کادر فرماندهی نیروهای مسلح و پلیس و بویژه در اقتصاد کشور در دست دارند، امروز نقاب تازه بر چهره زده و از در آشتی با جنبش خلق در آمده‌اند تا فردا خود را بعنوان بهترین دوست جا بزنند و اهرم‌های فرمان را در دست گیرند و روز دیگر دوباره، با یک توطئهٔ خائنانه، جنبش را غافلگیر کرده سرکوب نمایند. فاش شدن توطئهٔ خائنانهٔ سرهنگ توکلی معاون ستاد ارتش نمونه‌ای از این خطر بزرگ است.

تنها هشیاری، بیداری و آمادگی نیروهای متحد خلق می‌تواند ضامن بازگشت‌ناپذیر کردن پیروزی و جلوگیری از هرگونه توطئهٔ احتمالی باشد. هرگونه خوش‌باوری، هرگونه سهل‌انگاری، هرگونه اعتماد به کسانی که تا دیروز عمال دستگاه جنایت‌پیشهٔ رژیم سابق بودند، گناه جبران‌ناپذیری است. مثلاً رویدادهای شیلی و مصر نمونه‌هائی است از امکانات گوناگونی که امپریالیسم و ارتجاع در زرادخانهٔ توطئه‌سازی خود دارند. دستگاهی که خود برای سرکوب خلق بوجود آمده، نمی‌تواند به خلق خدمت نماید. اینست قانون همهٔ جنبش‌های انقلابی سراسر تاریخ جهان.

به این ترتیب وظیفهٔ حزب است که ضمن تمام کوشش برای پشتیبانی از تصمیمات مترقی دولت موقت مهندس بازرگان و پس از آن از دولت ملی، که بر پایهٔ انتخابات آزاد بوجود خواهد آمد، همواره مردم را متوجه خطرات احتمالی بنماید،

ماسک از چهرهٔ تفرقه‌اندازان بهر لباس که در آیند، بردارد و امر اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک را گام به گام به پیش ببرد.

مسلم است که سرمایه‌داری لیبرال، که تاکنون با جنبش همراه بوده، می‌کوشد جنبش را در چهارچوب منافع محدود طبقاتی خود نگاه دارد و جنبه‌های‌خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید. تجربهٔ همهٔ انقلاب‌ها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواست‌های طبقات و قشرهای محروم جامعه، این سرمایه‌داری لیبرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با باقیمانده‌های نیروهای ضدانقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلقی زحمتکشان بکار اندازد. باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم همین پدیده‌ها رشد کند. حتی پیش از پیروزی انقلاب، سروصداهائی حاکی از عدم رضایت این بخش از محتوی مترقی نظریات آیت‌الله خمینی در زمینهٔ نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بگوش می‌رسید و این عدم رضایت روز بروز شدت پیدا می‌کند. این جناح می‌کوشد انقلاب را در چهارچوب رفراندم برای اعلام جمهوری، انتخاب مجلس شورا و تأمین برخی آزادی‌های دموکراتیک نگهدارد و در زمینهٔ اقتصادی همان راه فلاکت‌بار سرمایه‌داری را ادامه دهد.

حزب ما باید در برابر پیدایش و رشد چنین پدیده‌ای، اتحاد همهٔ نیروهای دموکراتیک متکی به طبقات زحمتکش و اقشار متوسط هوادار پیشرفت اجتماعی را، هر اندازه ممکن است، تقویت و پشتیبانی نماید. ما باید بکوشیم با اتکاء به طبقهٔ کارگر و سایر زحمتکشان شهر و روستا، بویژه با نیروهای فعال انقلابی، که تحت رهبری آیت‌الله خمینی هستند، از جمله با سازمان مجاهدین خلق و همچنین با سایر نیروهای انقلابی مانند سازمان چریکهای فدائی خلق و گروه‌های مترقی روشنفکران و بخش دموکراتیک سرمایه‌داری ملی بر پایهٔ یک برنامهٔ مترقی و خلقی زبان مشترک پیدا کنیم و جبههٔ متحدی بوجود آوریم و این جبهه را به‌صورت سدی در برابر تلاش‌های سازشکارانهٔ جناح سرمایه‌داری لیبرال ایران قرار دهیم. تنها از این راه می‌توان به این هدف رسید که همهٔ مردم، و در درجهٔ اول قشرهای ده‌ها میلیونی مردم زحمتکش درکارخانه‌ها و کارگاه‌ها و روستاها و ادارات و مؤسسات، از نتایج محسوس و مشخص انقلاب که باخون خود به پیروزی رسانده‌اند، بهره‌مند شوند.

یک چنین برنامه‌ای باید در زمینهٔ بازسازی نظام نوین سیاسی و اجتماعی، تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، نوسازی اقتصادی، بهبود محسوس زندگی مادی، تأمین حقوق اجتماعی زحمتکشان شهر و روستا، سالم سازی فرهنگ اجتماعی بر پایهٔ عینی آنچه که در مرحلهٔ کنونی جنبش انقلابی میهن ما عملی است، تهیه و با بحث و موافقت نیروهای نامبرده در بالا، بعنوان برنامهٔ مشترک جبههٔ متحد خلق، طرح گردد.

در ارتباط با این تلاش ما باید از طرح شعارهائی که در مرحلهٔ اکنونی جامعه ایران غیرواقعی هستند مطلقاً خودداری کنیم و سایر نیروهای انقلابی را نیز از طرح این‌گونه شعارها برحذر داریم. طرح شعارهای غیرواقعی می‌تواند مورد سوءاستفادهٔ دشمن و محافل راست قرار گیرد و کار آنان را در زمینهٔ تفرقه‌اندازی و جدا ساختن نیروهای پیشاهنگ از مردم آسان‌تر سازد.

بطور خلاصه، وظیفهٔ مبرم حزب ما در زمینهٔ فعالیت سیاسی، در مرحله‌ای که بلافاصله در برابر ما قرار گرفته، عبارتست از کوشش در ایجاد جبههٔ متحد خلق،

برای آنکه وعده‌های اجتماعی و اقتصادی که آیت‌الله خمینی بعنوان وظایف جمهوری اسلامی مطرح کرده، بوسیلهٔ دولت‌ها عملی گردد. ما باید کوشش کنیم تلاش بورژوازی لیبرال را که می‌کوشد در درجهٔ اول حزب تودهٔ ایران و پس از آن دیگر سازمان‌های انقلابی‌خلق را منفرد سازد و قشرهای وسیع زحمتکشان را به‌دنبال خود ببرد، با ناکامی روبرو سازیم و این تنها از راه برقراری اتحاد محکم با نیروهای واقعاً انقلابی جنبش امکان‌پذیر است.

برای انجام این وظایف سیاسی، کار سازمانی حزب ما، در دورانی که بلافاصله در برابر ماست اهمیت تعیین‌کننده پیدا می‌کند.

در برابر حزب ما در شرایط کنونی وظایف سیاسی مهی مانند شرکت در رفراندم و انتخابات مجلس مؤسسان و اظهار نظر دربارهٔ قانون اساسی جدید، شرکت در انتخابات مجلس آینده، مطرح است و پلنوم حاضر به هیئت اجرائیهٔ جدید رهنمود می‌دهد که در مقابل این رویدادهای تاریخی موضع حزب و وظایف مشخص همهٔ افرادی را که به سخن حزب ما گوش می‌دهند، روشن گرداند.

۲. وظایف سازمانی

روشن است که مهمترین وظیفهٔ سازمانی حزب انتقال رهبری حزب به ایران احیاء سازمان‌های حزب در سراسر کشور، در شهر و روستا و آغاز وسیع فعالیت علنی حزب است. در این زمینه باید به دو نکتهٔ اساسی توجه کنیم. اول اینکه باید هرچه زودتر گروه‌های پراکندهٔ حزب را در یک سازمان واحد سرتاسری، با مرکز رهبری واحد و مراکز رهبری محلی، به هم پیوند دهیم و با تمام قوا برای جلب و سازماندهی هزاران مبارز توده‌ای در کشور، که تاکنون با گروه‌های حزبی رابطه نداشته‌اند، اقدام نمائیم. در عین حال باید تمام هشیاری خود را بکار بریم تا از ورود عناصر ناباب، عناصری که شایستگی و برازندگی عضویت حزب طبقهٔ کارگر را ندارند، به صفوف حزب جلوگیری نمائیم. حزب محل تجمع پیشاهنگ انقلابی طبقهٔ کارگر و مهترین عناصر انقلابی سایر طبقات و اقشار دموکراتیک است. حزبی فشرده، ولی با کیفیت انقلابی، به‌مراتب نیرومندتر از حزبی است با افراد زیاد، ولی با کیفیت انقلابی ضعیف. در ارتباط با این امر، ما باید بویژه به ترکیب طبقاتی حزب توجه درجه اول داشته باشیم. ترکیب طبقاتی حزب طبقهٔ کارگر تأثیر مستقیم در خصوصیات انقلابی حزب دارد و عدم توجه به آن می‌تواند دشواری‌های فراوانی ببار آورد. رعایت ترکیب طبقاتی حزب و توجه ویژه به بخش کارگری آن تنها در مورد افراد حزب نیست، بلکه در مجموعهٔ سازمان حزبی باید اکیداً مورد توجه قرار گیرد. حزب باید از همان آغاز سازماندهی نوین خود به این مسئله توجه درجه اول مبذول دارد. البته باید در این کار بیش از هرچیز به محتوی اهمیت داد نه شکل ظاهری. بویژه در مورد برگزیدن و به پیش کشیدن کادرهای حزبی نباید تنها به تعداد و درصد قناعت کرد. با تمام قوا باید به امر آموزش سیاسی کادرهای کارگری پرداخت و در این زمینه از همهٔ امکانات استفاده نمود.

نکتهٔ دیگری که باید مورد توجه رهبری و همهٔ سازمان‌های حزب قرار گیرد، عبارتست از این که لااقل برای یک دوران نسبتاً طولانی تثبیت نظام دموکراتیک در ایران، حزب باید همیشه آمادگی داشته باشد که غافلگیر نشود. تا هنگامی‌که نظام دموکراتیک در ایران مستقر نشده و بازگشت‌ناپذیر نگردیده است، همیشه خطر

دستبردهای ارتجاعی وجود دارد. لذا حزب ما باید همیشه آماده باشد که به فعالیت سیاسی و انقلابی خود در هرگونه شرایط نامساعد ادامه دهد.

سمتگیری کار سازمانی ما باید این باشد که هرچه زودتر شرایط لازم را برای دعوت کنگرهٔ سوم حزب یا کنفرانس سراسری حزب فراهم آوریم. حقوق و وظایف و اختیارات این کنفرانس در کمیتهٔ مرکزی حزب تعیین و تصویب می‌شود.

۳. کار توده‌ای

به‌موازات کار سازمانی برای احیاء سازمان‌های حزب، ما باید توجه همه‌جانبه‌ای به کار توده‌ای مبذول داریم. جنبش انقلابی ایران ده‌ها میلیون نفر از مردم شهر و روستا را به میدان عالیترین نبردهای سیاسی کشانده و در مدت کوتاهی، در زمینهٔ اگاهی سیاسی و اجتماعی، فرسنگ‌ها به جلو آورده است. باید از این امکان مساعد بی‌نظیر و کم‌سابقه، برای متشکل ساختن توده‌ها در سازمان‌های دموکراتیک، که مهمترین ضامن برقراری و پایداری نظام دموکراتیک جامعه خواهند بود، بهره‌برداری کرد.

طبقهٔ کارگر قهرمان ایران، که در پیشاپیش جنبش انقلابی، پرچم انقلاب را بر دوش کشید و به‌پیش برد و به پیروزی رسانید، همهٔ امکانات را دارد که در سازمان‌های صنفی دموکراتیک مستقل خود متشکل شود. حق آن را دارد که از راه سازمان‌های دموکراتیک صنفی خود در تنظیم نظام اقتصادی کشور شرکت نماید. طبقهٔ کارگر حق دارد در ادارهٔ امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی و از آن جمله در تنظیم برنامهٔ تولید و برقراری تناسب عادلانه میان سود و دستمزد شرکت عملی و فعال داشته باشد.

وظیفهٔ حزب است که کلیهٔ کارگر ایران را در عملی ساختن این خواست‌های بحقش همه‌جانبه پشتیبانی کند و در کار سازماندهی صنفی‌اش به او کمک برساند.

مسلماً بر سر راه سازماندهی صنفی طبقهٔ کارگر مشکلات بسیاری برپا خواهد شد. گروه‌های سیاسی انحصارطلب خواهند کوشید سازمان‌های صنفی طبقهٔ کارگر را زیر کنترل انحصاری خود در آورند. آن‌ها خواهند کوشید پیشاهنگ انقلابی طبقهٔ کارگر را از طبقهٔ کارگر جدا سازند. این اقدامات همگی در جهت تجزیه و تقسیم و محدود ساختن آزادی سندیکائی طبقهٔ کارگر است و ما باید بکوشیم کارگران را از نفوذ این‌گونه گرایش‌ها در صفوفشان برحذر داریم. شعار گویائی که در روزهای پرشور مبارزات انقلابی، هنگام یکی از راه‌پیمائی‌ها در پیشاپیش صفوف کارگران تهران در اهتزاز بود، «طبقهٔ کارگر متحد همه‌چیز، متفرق هیچ‌چیز!» باید به شعار جنبش صنفی دموکراتیک کارگری سراسر ایران بدل شود.

تلاش برای کمک به فعالیت سازماندهی دموکراتیک صنفی سایر اقشار زحمتکشان و بخشهای مردم باید در همین چهارچوب تنظیم گردد.

ما باید به زنان آزاده، به کارگران کشاورزی و روستائیان کم‌زمین و بی‌زمین، به جوانان و دانشجویان و دانش‌آموزان، به کارمندان دولت، کارکنان مؤسسات بخش خصوصی و خلاصه به تمام اقشار دموکراتیک جامعه، برای تشکل و مبارزهٔ صنفی خودشان همه‌جانبه کمک برسانیم.

رهبری حزب باید در همهٔ این زمینه‌ها مطالعات همه‌جانبه بعمل آورد و این بخش بسیار مهم کار اجتماعی خود را طبق نقشهٔ منظمی طرح‌ریزی کند و در عمل پیاده نماید.

۴. وظایف تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی

حزب ما حزب طراز نوین طبقهٔ کارگر ایران است. ما باید افراد حزب را با جهان بینی حزبمان ـــ مارکسیسم ـ لنینیسم ـــ عمیقاً آشنا سازیم. حزب باید بویژه در بالا بردن دانش علمی کادرهای جوانی که به حزب رو خواهند آورد، با تمام نیرو بکوشد. در این زمینه باید توجه داشته باشیم که آموزش مارکسیسم ـ لنینیسم باید در تمام بخش‌هایش در انطباق کامل و پیوسته با واقعیت تاریخی و امروزی جامعهٔ ایران عملی گردد. در این زمینه از طرف حزب ما کارهای باارزشی انجام گرفته، ولی باید اذعان کنیم که ما هنوز کمبود بسیار داریم و باید با بکار گرفتن همهٔ امکانات این کمبودها را رفع نمائیم.

در زمینهٔ ترویج مارکسیسم در جامعهٔ ایران، باید به این واقعیت شادی‌آور توجه کنیم که امروز با رشد بیسابقهٔ کمی وکیفی طبقهٔ کارگر در سال‌های اخیر، با پیدایش یک قشر نیرومند روشنفکران جوان و دانشجویان در جوّ انقلابی بی‌سابقه و بی‌نظیر جامعهٔ ایران و زیر تأثیر پیروزی‌های جنبش مارکسیستی ـ لنینیستی راستین در سراسر جهان، تشنگی برای آموزش مارکسیسم ـ لنینیسم بطور بی‌سابقه‌ای در ایران و کم‌سابقه در سراسر جهان شدت یافته است. ولی از سوی دیگر این تحول تاریخی شادی‌آور وظایف سنگینی را در برابر حزب ما قرار می‌دهد. ما باید به این تشنه‌لبان، آب گوارای مارکسیسم ـ لنینیسم را برسانیم. مسلماً در این زمینه کار ما آسان نیست. امپریالیست‌ها، مرتدان از مارکسیسم و پرووکاتورهای چینی خواهند کوشید به‌نام مارکسیسم بازار کتاب ایران را از محصولات مخدوش و وازده پرکنند و از هر راه آبهای مسموم را به‌خورد تشنگان بدهند. ما باید ضمن اشاعهٔ آثار واقعی مارکسیستی، آثار تحلیلی و انطباقی مارکسیسم ـ لنینیسم بر واقعیت جامعهٔ ایران، بخش قابل توجهی از فعالیت ترویجی خود را برای افشاء این دغلکاری دشمنان طبقهٔ کارگر و جنبش جهانی کمونیستی بکار اندازیم. رفقای ما در این بخش کار بسیار سنگینی در پیش دارند.

در زمینهٔ کار تبلیغاتی توجه حزب ما باید در این جهت باشد که در جامعهٔ امروزی ما نسبت به جامعهٔ پریروزی و دیروزی، تحولات ریشه‌ای فکری بوجود آمده است. حزب ما با آنچنان فضای سیاسی روبروست که در گذشته به اینصورت هرگز در برابر ما قرار نداشته است. نظریات فلسفی و اجتماعی اسلام با زندگی سیاسی قشرهای وسیع مردم شهر و ده به‌هم آمیختگی بیسابقه‌ای پیدا کرده‌اند و هیچ حزب جدی نمی‌تواند این واقعیت را در نظر نگیرد. این واقعیت به ما حکم می‌کند که در عین رعایت حد اعلای اصولیت در دفاع از نظریاتمان در کار تبلیغاتی روزمره، از هرگونه برخورد غیرعقلانی با تمام نیرو پرهیز کنیم. ما باید در زمینهٔ کار تبلیغاتی، در همهٔ جبهه‌هائی که رفقای حزبی ما فعالیت می‌کنند، منتهای اصولیت در دفاع از عقاید خود را با منتهای نرمش و احترام در برابر نظریات گروه‌های دیگر خلق، بویژه گروه‌های مذهبی، تلفیق نمائیم. ما باید بکوشیم همیشه در درجهٔ اول، روی آنچه که ما را به‌هم نزدیک می‌کند، تکیه کنیم. دستگاه تبلیغاتی حزب ما باید در این زمینه،

یعنی در مشخص ساختن دقیق و علمی آنچه که در بخش مسائل اجتماعی، هواداران مذهب اسلام و هواداران سوسیالیسم علمی را به هم نزدیک می‌کند، کار وسیعی انجام دهد. باید کادرهای حزبی را در این‌باره بطور همه‌جانبه مجهز ساخت. هرگونه کم‌توجهی یا بی‌توجهی در این میدان نبرد فکری و عقیده‌ای می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیر ببار آورد.

همین اصل را می‌توان در زمینهٔ تبلیغات سیاسی یادآوری کرد. در میدان نبرد تبلیغات سیاسی حزب، ما باید اصولی، با نرمش، خونسرد، عاقلانه، بدون شتابزدگی در قضاوت‌ها و دادن ارزیابی‌هائی که هنوز دلائل کافی برای آن‌ها وجود ندارد، بدون برچسب زدن‌های احساساتی عمل کنیم و از زنندگی در لحن جداً پرهیز نمائیم.

تبلیغات ما باید ساده و قابل فهم برای توده‌ها باشد، قابل فهم نه‌تنها از لحاظ سادگی زبان، بلکه از لحاظ محتوی. ما در کار تبلیغاتی باید مسائل را طوری مطرح کنیم که درک درستی ادعای ما برای توده‌ها، با تجربهٔ روزمرهٔ خودشان، امکان‌پذیر باشد.

اینهاست آن کلی‌ترین نکاتی که بنظر ما باید ارگان‌های تعلیماتی، ترویجی و تبلیغاتی بطور پیگیر مراعات نمایند.

۵. لزوم تکمیل برنامه و اساسنامهٔ حزب

بحق می‌توانیم ادعا کنیم که برنامهٔ مصوبهٔ پلنوم پانزدهم حزب، عالیترین سند سیاسی تاریخ حزب است. این برنامه، بر پایهٔ عالی علمی مارکسیستی ـ لنینیستی، تحلیل درستی از اوضاع ایران و جهان داد و احکام اساسی آن را زندگی با روشنی تأیید کرد. ولی اوضاع کشور ما و جهان، از تاریخ تدوین این برنامه با گام‌های بلندی به جلو رفته و تحولات عظیمی در همهٔ جهان و بویژه در میهن ما بوجود آمده است. بخشی از آنچه که ما بعنوان هدف‌های جنبش انقلابی ایران، در برنامه بدرستی طرح کرده بودیم، به همت انقلابی خلق‌های ایران جامهٔ عمل پوشیده است. به این ترتیب ضرورت نوسازی برنامه کاملاً مشهود است.

پیشنهاد ما اینست که پلنوم به هیئت اجرائیه کمیتهٔ مرکزی حزب ما مأموریت دهد که در کوتاهترین مدت ممکن، این نوسازی را در متن برنامه تدارک ببیند و در اساسنامهٔ حزب متناسب با شرایط مشخص امروزی تغییرات لازم را وارد کند. اینکار باید هرچه زودتر انجام گیرد، زیرا تردیدی نیست که مهمترین سند سیاسی حزب، برای تبلیغات سیاسی، سندی که مارکسیسم ـ لنینیسم را با شرایط مشخص جامعهٔ اکنونی ایران منطبق سازد، برنامهٔ حزب است.

پیشنهاد پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

همه با هم در جبههٔ متحد خلق برای بارور کردن انقلاب ملی و دموکراتیک بسود زحمتکشان و قشرهای میانه‌حال جامعه

هم‌میهنان عزیز، رزمندگان و مبارزان راه خلق!

پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، با درک عمیق مسئولیت خطیر ملی و میهنی خویش، در این لحظات حساس تاریخی توجه شما را به یک سلسله نکات مهم و اساسی برای حفظ دستاوردهای انقلاب و برون‌رفت کشور از بحرانی که طی ده‌ها سال فرمانروائی امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌اش گریبانگیر میهن ما شده است، جلب می‌کند.

با سرنگونی رژیم فاسد سلطنتی، اعلام دولت موقت انقلابی، نخستین مرحلهٔ انقلاب ملی و دموکراتیک ایران به پیروزی عظیم تاریخی دست یافت. در این انقلاب بزرگ، همهٔ مردم، سوای گروه ناچیز خائن به منافع ملی، در یک جبههٔ متحد شرکت کردند و با جانبازی‌های کم‌نظیر خود صفحات درخشانی به تاریخ انقلابهای خلق‌های ستم‌زدهٔ جهان افزودند.

خلق قهرمان ایران، از همان نخستین روزهای گسترش پرشتاب جنبش انقلابی خویش، خواست‌های اساسی خود را به شرح زیرین مطرح ساخت:

ـــ برانداختن نظام فاسد سلطنتی و درهم شکستن دستگاه خیانت، غارت، اختناق، جنایت و فساد.

ـــ استقرار جمهوری متکی بر ارادهٔ خلق و تأمین کامل کلیهٔ حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی دموکراتیک.

ـــ پایان دادن به تسلط نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیسم.

ـــ برچیدن بساط غارتگری بی‌بندوبار سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و زمیخواران و زمینداران بزرگ، بازگرداندن ثروت‌های غارت شدهٔ ملی به مالکیت همگانی خلق.

ـــ ایجاد نظام عادلانهٔ اقتصادی بر پایهٔ بهره‌برداری معقول از ثروت‌های ملی و استفادهٔ صحیح از نیروی کار انسانی برای تأمین پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی ده‌ها میلیون زحمتکش شهر و روستا.

درهم کوفتن رژیم درنده و خون‌آشامی که هم خود تا بن دندان مسلح و هم از حمایت جدی بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان ـــ امپریالیسم آمریکا ـــ برخوردار بود، و واردکردن ضربات درهم‌شکن بر ارکان تسلط راهزنانهٔ امپریالیسم بر میهن ما ـــ چنین است دستاوردهائی که انقلاب خلق بدان رسیده است.

حزب تودهٔ ایران در این نکته با **آیت‌الله خمینی** کاملا هم‌آوا است که این کامیابی نخستین دستاورد در راه بسیار دشوار و پرخطری است که انقلاب خلق در سرآغاز مرحلهٔ دوم خود بدان رسیده است و مهمترین وظیفه در شرایط کنونی تحکیم و تثبیت پیروزی بدست آمده و نوسازی اقتصادی و بازسازی اداری کشور است.

حزب تودهٔ ایران بر آنست که تحقق این هدف‌ها در گرو اقدامات قاطع و سریع برای انحلال پایگاه‌های نظامی و قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیسم و برانداختن کلیهٔ بازمانده‌های ارتجاع است.

تاریخ انقلابهای اصیل نشانگر آنست که تنها با تأمین استقلال سیاسی و برکناری گروهی از تبهکارترین کارگزاران رژیم‌های کهنه نمی‌توان تسلط اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع را برانداخت.

دست نخورده ماندن مواضع اقتصادی امپریالیسم و ارتجاع برای سرنوشت نهائی انقلاب خطرات جدی در بر دارد. فقط با درهم شکستن و برانداختن این مواضع است که می‌توان خواست‌های حقهٔ میلیون‌ها انسان محروم و زحمتکش را تحقق بخشید، صنعتی کردن را بر وفق منافع ملی و فارغ از وابستگی به امپریالیسم سامان داد، کشاورزی را از وضع نابسامان کنونی بیرون آورد، زندگی زحمتکشان را با آهنگ سریع بهبود بخشید و فرهنگ ملی را شکوفان ساخت.

حزب تودهٔ ایران همهٔ مبارزان راه خلق را فرا می‌خواند که هرچه زودتر بر اساس برنامهٔ مشترکی که خواست‌های ده‌ها میلیون زحمتکشان و میانه‌حالان جامعهٔ ایران را دربر گیرد، توافق کنند و این برنامه را پایهٔ عمل مشترک و متحد خود در مبارزات آیندهٔ خویش برای تدوین قانون اساسی جدید، انتخاب مجلس مؤسسان، تصویب قانون اساسی و انتخاب مجلس ملی و دولت ملی قرار دهند.

امپریالیست‌ها و نیروهای ارتجاعی وابسته به آنان می‌کوشند با تمام نیرو با بستن اتحاد با بورژوازی لیبرال (که از گسترش جنبش انقلابی هر روز بیشتر به وحشت می‌افتد) با کمک خرابکارانهٔ امثال بختیار و سرهنگ توکلی، از درون صفوف نیروهای انقلابی، این اتحاد دموکراتیک را غیرممکن سازند و با افشاندن تخم نفاق و دودستگی در میان نیروهای راستین انقلاب، زمینه را برای تسلط مجدد خود فراهم کنند.

تنها بیداری، هشیاری، آمادگی و اتحاد نیروهای خلق بر بنیاد برنامهٔ سیاسی و اقتصادی روشن و مبارزهٔ متحد برای تحقق آن می‌تواند این نقشه‌های شوم و خطرناک را با ناکامی روبرو سازد.

بر این اساس حزب تودهٔ ایران برنامهٔ پیشنهادی زیرین را برای ایجاد جبههٔ متحد نیروهای خلق مطرح می‌سازد و در عین حال آمادگی جدی خود را برای توجه و بررسی هر پیشنهاد مشخص دیگری در این زمینه اعلام می‌دارد.

الف. در زمینهٔ نظام سیاسی، حقوق و آزادی‌های سیاسی فردی و اجتماعی

۱. حزب تودهٔ ایران ابتکار حضرت **آیت‌الله خمینی** را در مورد اعلام جمهوری اسلامی در ایران تأیید می‌کند و برای تحقق آن از بذل هیچگونه مساعی دریغ نخواهد ورزید.

۲. حزب تودهٔ ایران بر آنست که کشور ما برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی خویش باید دارای نیروهای مسلح دموکراتیک باشد. این نیروهای مسلح باید مجری ارادهٔ خلق باشند. به همین جهت حزب تودهٔ ایران از فکر ایجاد گارد مسلح ملی برای پاسداری انقلاب و مقابله با هرگونه توطئهٔ محتمل جداً پشتبیانی می‌کند. نیروهای مسلح دموکراتیک خلق مطمئن‌ترین وثیقهٔ حفظ دستاوردهای انقلاب پیروزمند ایران اند. ما اعتقاد راسخ داریم که گارد مسلح ملی باید همهٔ نیروهای اصیل ملی و میهن‌پرست داوطلب شرکت در آن را، بدون هیچگونه پیشداوری، بدون هیچگونه تبعیض و انحصارطلبی، دربر گیرد.

۳. نیروی حیاتی و شکوفائی جمهوری تنها در صورت شرکت آزاد و کارای همهٔ خلق‌های میهن ما در زندگی سیاسی و اجتماعی و نیز در صورت احترام متقابل به مذاهب، آداب و رسوم، فرهنگ ملی و زبان همهٔ خلق‌های کشور می‌تواند تأمین گردد.

در جامعهٔ ایران شرط لازم برای تحقق وحدت ملی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، واگذاری خودمختاری اداری و فرهنگی به همهٔ خلق‌های کشور در چارچوب جمهوری واحد دموکراتیک ایران است.

۴. در جمهوری نوبنیاد ایران شرکت فعال توده‌های انبوه مردم در ادارهٔ امور کشور باید از طریق شوراهای استان، شهرستان، بخش و ده تأمین گردد. این شوراها باید بصورت ارگان‌های اعمال قدرت محلی با اختیارات و وظائف مشخص عمل کنند.

۵. تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فقط زمانی میسر است که همهٔ سازمان‌های اجتماعی و سیاسی و صنفی ملی و مترقی، بدون هیچگونه محدودیت و تبعیض، امکان فعالیت آزاد برای نشر و تبلیغ نظریات خود داشته باشند و به هیچگونه انحصارطلبی و اعمال فشار و تحمیل نظریات و تبعیض از سوی هیچ مقام و هیچ فردی راه داده نشود. حصول این مقصود مستلزم آنست که:

ــ قوانین و مقررات منافی با حقوق دموکراتیک و حاکمیت خلق ملغی شود، محاکمه و مجازات کلیهٔ کارگزاران فاسد و جنایتکار رژیم سابق عملی گردد.

ــ آزادی عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، احزاب، تظاهرات و آزادی دفاع در محاکم تأمین گردد.

ــ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای همهٔ شهروندان کشور، صرفنظر از ملیت، جنس، تعلقات مذهبی و سواد، در کلیهٔ مؤسسات انتخابی تأمین شود.

ــ حق کامل تشکیل سازمان‌های صنفی برای همهٔ کارگران و زحمتکشان شهر و ده به‌رسمیت شناخته شود و این سازمان‌های صنفی در کلیهٔ امور مربوط به تولید و شرایط کار و زندگی زحمتکشان حق دخالت داشته باشند.

ــ کلیهٔ زحمتکشان شهر و ده از حق بی‌چون و چرای اعتصاب برخوردار باشند.

ــ زن و مرد در جامعه برابری حقوق واقعی داشته باشند.

ب. در زمینهٔ سیاست خارجی

۱. دفاع از تمامیت ارضی، تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور.

۲. لغو کلیهٔ قراردادهای نابرابر اقتصادی، سیاسی و نظامی علنی و یا سری که امپریالیسم و رژیم سرنگون شده به کشور ما تحمیل کرده‌اند.
۳. خروج فوری از پیمان تجاوزکار سنتو و لغو قرارداد دوجانبهٔ نظامی با آمریکا.
۴. پیشنهاد عقد قرارداد دوستی و عدم تجاوز به همهٔ کشورهای همسایه، به‌ویژه به عراق، ترکیه، افغانستان، اتحاد شوروی و پاکستان.
۵. اعلام بیطرفی ایران و پیوستن آن به جرگهٔ کشورهای غیرمتعهد.
۶. پشتیبانی از انعقاد پیمان امنیت دسته‌جمعی در منطقهٔ خاورمیانه و نزدیک و سراسر آسیا.
۷. پشتیبانی مادی و معنوی همه‌جانبه از جنبش‌های انقلابی و آزادی‌بخش ملی ضدامپریالیستی و در درجهٔ اول از جنبش آزادی‌بخش خلق قهرمان فلسطین.
۸. کوشش برای برقراری روابط دوستانه و همکاری مبتنی بر برابری حقوق و عدم مداخله در امور داخلی با همهٔ کشورهای جهان.
۹. دفاع از صلح جهانی و اجرای پیگیر اصول همزیستی مسالمت‌آمیز.

ج. در زمینهٔ دفاع و حفظ امنیت کشور

۱. تصفیهٔ کامل ارتش از تمام عناصر ضدملی و فاسد.
۲. دگرگونی بنیادی در نظام درونی ارتش برای تبدیل آن به ارتش واقعاً ملی، دموکراتیک و خلقی از طریق تشکیل کمیته‌های ملی سربازان، درجه‌داران و افسران و تأمین حق شرکت همهٔ افراد ارتش در حیات سیاسی کشور.
۳. کاهش بودجه و نفرات ارتشی تا حد تأمین نیازمندی‌های واقعی دفاعی کشور.

د. در زمینهٔ اقتصادی

۱. ریشه‌کن ساختن تسلط امپریالیسم از کلیهٔ شئون اقتصادی کشور، از طریق الغاء کلیهٔ قراردادهای اسارت‌آور.
۲. ملی کردن کلیهٔ مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی متعلق به انحصارها و دولتهای امپریالیستی، ملی کردن بانکها و مؤسسات بیمهٔ خصوصی و واحدهای بزرگ صنعتی و کشاورزی که در دست کارگزاران و سرمایه‌داران بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده متمرکزند و بطور عمده با سرمایه‌های امپریالیستی پیوند دارند.
۳. ضبط همهٔ ثروت‌های متعلق به اعضای خاندان پهلوی، کوشش در بازگرداندن ثروت‌هائی که توسط این افراد بخارج منتقل شده است. ضبط کلیهٔ ثروت‌هائی که گردانندگان رژیم سابق و سایر کارگزاران امپریالیسم در طول بیش از پنجاه سال تسلط این رژیم به‌تاراج برده‌اند. مصادرهٔ زمین‌های متعلق به زمیخواران بزرگ و سفته‌بازان زمین‌های شهری و واگذاری آن به شوراهای شهرستان‌ها و شهرها و بخش‌ها برای ساختن خانه جهت زحمتکشان.
۴. الغای قرارداد تحمیلی کنسرسیوم بین‌المللی نفت، جلوگیری از افزایش نامعقول تولید نفت و کاربرد شیوه‌های فنی صحیح در زمینهٔ بهره‌برداری از منابع نفت بمنظور حفظ هرچه طولانی‌تر ذخایر گرانبهای نفت کشور، جلوگیری هرچه

سریعتر از هدر رفتن گازهای طبیعی و فراهم ساختن شرایط لازم برای استفادهٔ صحیح از این مادهٔ گرانبها.

۵. الغای کلیه قراردادهای پرهزینهٔ ایجاد نیروگاه‌های هسته‌ای و موافقت‌نامه‌های مربوط به دفن زباله‌های اتمی در خاک کشور ما.

۶. کار برد برنامه‌ریزی علمی در کلیهٔ شئون اقتصادی کشور.

۷. صنعتی کردن کشور، گسترش رشته‌های گوناگون صنایع سنگین و سبک بر پایهٔ استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی دوران ما، با توجه به اولویت امکانات و نیازمندی‌های واقعی جامعه.

۸. تمرکز رشته‌های اساسی صنعت، بانکداری و بیمه در دست دولت، دموکراتیزه کردن بخش دولتی و قرار دادن آن در خدمت خلق.

۹. اجرای اصلاحات ارضی بنیادی، از طریق مصادرهٔ زمین‌های متعلق به زمینداران بزرگ و ملی کردن مؤسسات بزرگ خصوصی کشاورزی، دایر کردن زمین‌های بایر بمنظور تأمین زمین کافی برای دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و کشاورزانی که بعنوان کارگر در مزارع کار می‌کنند. تضمین مالکیت دهقانی، ملی کردن مؤسسات کشت و صنعت.

۱۰. بسط همه‌جانبهٔ بازرگانی داخلی و کمک مؤثر به ترقی آن بمنظورگسترش و تحکیم بازار داخلی، پایان دادن به سیاست تباهی‌آور درهای باز و ایجاد شرایط لازم برای تأمین فعالیت سودمند سرمایه‌داران ملی.

۱۱. تجدیدنظر در توزیع درآمد ملی، برمبنای تنظیم و تعدیل بودجهٔ دولتی با توجه به اصل اولویت‌های اقتصادی، حذف کلیهٔ هزینه‌های زائد و تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه‌جانبهٔ اقتصاد، فرهنگ و آموزش عالی.

۱۲. اصلاح بنیادی سیستم مالیاتی بسود شاغلین کارهای جسمی و فکری در شهر و ده.

هـ. در زمینهٔ بهبود زندگی

۱. کارگران

ــ تأمین شرکت برابر کارگران در ادارهٔ امور مؤسسات صنعتی و کشاورزی و از آن جمله در تنظیم برنامهٔ تولید و برقراری تناسب عادلانهٔ میان سود و دستمزد.

ــ تنظیم قانون کار بر بنیاد دموکراتیک.

ــ تأمین اشتغال و تلقی آن به مثابه حق مسلم شهروندان کشور، از میان بردن بیکاری در سراسر کشور.

ــ به‌رسمیت شناختن قراردادهای دسته‌جمعی و ایجاد تضمین‌های لازم برای اجرای آن‌ها.

ــ افزایش فوری دستمزدها، متناسب با کار و نیازمندی‌های درجه اول مادی و معنوی زحمتکشان و خانواده‌های آنها، با توجه به نواسانات هزینهٔ زندگی.

ــ کاهش ساعات کار در هفته در همهٔ رشته‌های تولیدی و افزایش مدت مرخصی سالانه با استفاده از حقوق با توافق نمایندگان منتخب کارگران.

ــ تنظیم قوانین مترقی بیمه‌های اجتماعی بسود همهٔ زحمتکشان و خانواده‌های آنها، تأمین خدمات پزشکی و دارویی رایگان برای آنان.

ــ تأمین مسکن مناسب برای کارگران.
ــ تجدیدنظر در طبقه‌بندی مشاغل.
ــ افزایش مستمری کارگران بازنشسته.

۲. روستائیان

ــ واگذاری اعتبارات دولتی فوری، بذر و کود و کمک‌های فنی به دهقانان خرده‌پا و میانه‌حال.
ــ کمک همه‌جانبه به ایجاد شرکتهای تعاونی تولیدی دهقانی، گسترش شرکت‌های تعاونی فروش و مصرف بسود دهقانان و خرید محصولات کشاورزی به بهای عادلانه.
ــ حل جدی مسئلهٔ آب بسود دهقانان.
ــ الغای وام‌ها و اقساط زمین و تضییقات مادی دیگری که رژیم سرنگون‌شده به روستائیان تحمیل کرده است.

۳. زنان

ــ تأمین کلیهٔ حقوق اجتماعی و سیاسی زنان برابر با مردان.
ــ پرداخت مزد یکسان به زنان در برابر کار یکسان با مردان، منع کار کودکان.
ــ واگذاری مرخصی‌های درازمدت، با استفاده از حقوق، برای زنان زحمتکش در دوران پیش و بعد از زایمان.
ــ ایجاد شبکهٔ وسیع زایشگاه‌ها و شیرخوارگاه‌ها و کودکستان‌ها برای استفادهٔ زنان زحمتکش.

۴. کارمندان

ــ تقسیم صحیح کار در ادارات، ترفیع بر اساس آزمودگی و کیفیت کار و سوابق خدمت.
ــ تجدیدنظر در قوانین استخدامی بر بنیاد دموکراتیک و جلوگیری از هرگونه تبعیض در مورد آنان.
ــ تأمین مسکن مناسب برای کارمندان.
ــ شناسائی حق تشکیل سازمان‌های صنفی برای همهٔ کارمندان مؤسسات و ادارات دولتی و خصوصی و تأمین حق اعتصاب.

۵. جوانان

ــ تجدید نظر بنیادی در نظام آموزشی.
ــ رایگان بودن آموزش از دبستان تا دانشگاه و پرداخت مدد معاش دولتی به فرزندان کارگران و کشاورزان و کارمندان کم‌درآمد.
ــ گسترش شبکهٔ آموزش‌های حرفه‌ای رایگان.
ــ تأمین امکانات وسیع ورزشی و تربیت بدنی و توسعهٔ مؤسسات ورزشی و ایجاد باشگاه‌های فرهنگی در شهرها و روستاها.
ــ تأمین کتابخانه‌ها و قرائتخانه‌های دولتی عمومی در سراسر کشور با حق استفادهٔ رایگان از آن‌ها.

۶. پیشه‌وران

ــ واگذاری اعتبارات دولتی برای پیشرفت کار در رشته‌های گوناگون پیشه‌وری.

ــ تشکیل اتحادیه‌های ویژهٔ پیشه‌وری برای دفاع از خواست‌ها و منافع صنفی پیشه‌وران.

ــ تشویق کارهای دستی هنری ملی.

و. در زمینهٔ فرهنگ

۱. ریشه‌کن ساختن همهٔ آثار فرهنگ استعماری از زندگی روزمرهٔ مردم.

۲. گسترش شبکهٔ آموزش و پرورش در سراسر کشور، رفع کمبود شدید دبستان و دبیرستان، ایجاد شبکهٔ وسیع آموزشگاه‌های حرفه‌ای، مدارس عالی و دانشگاهها.

۳. توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطق عقب نگاه‌داشته شده.

۴. ایجاد سیستم فرهنگ ملی برای خلق‌ها و اقلیت‌های ملی و تأمین آموزش به زبان مادری.

۵. ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکهٔ وسیع پژوهش‌گاه‌های علمی و فراهم کردن شرایط لازم برای کار خلاق و ثمربخش دانشمندان.

۶. کمک مؤثر به گسترش و رشد مطبوعات و انتشارات مترقی دموکراتیک.

۷. تأمین شرایط لازم برای پیشرفت آفرینش هنری.

۸. تأمین آزادی برای نویسندگان و هنرمندان بر پایهٔ خواست‌های حقهٔ سازمان‌های صنفی آن‌ها.

ز. در زمینهٔ دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، محکومان رژیم سابق و خانواده‌های قربانیان علیه استعمار و استبداد

۱. اعلام بی‌درنگ بی‌اعتبار بودن کلیهٔ احکام دادگاه‌های نظامی علیه مبارزان ضدرژیم سابق و اعادهٔ حیثیت از همهٔ آنان.

۲. تشکیل فوری کمیسیونی با شرکت نمایندگان منتخب زندانیان سیاسی برای تعیین و جبران کلیهٔ خساراتی که در نتیجهٔ زندانی‌شدن به این مبارزان وارد آمده است. اختیارات و امکانات قانونی و مادی این کمیسیون برای جبران این خسارات باید از طرف دولت تأمین گردد.

۳. کمک فوری و در صورت لزوم تعیین مستمری به بازماندگان قربانیان رژیم سابق توسط کمیسیون خاصی با اختیارات قانونی و مادی لازم.

چنین است رئوس کلی برنامه‌ای که بنظر حزب تودهٔ ایران می‌تواند همه نیروهای مدافع انقلاب ملی‌خلق قهرمان ایران را ــ از مبارزان پیگیر راه آیت‌الله خمینی گرفته تا حزب تودهٔ ایران و سایر نیروهای انقلابی چپ، در یک جبههٔ واحد و متحد گرد آورد ــ جبهه‌ای که بتواند تسلط امپریالیسم را در کلیه شئون براندازد، ثروت‌های ملی و قدرت اقتصادی را از چنگ عناصر غارتگر، یعنی سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم، بیرون کشد و بسود خلق بکار اندازد .

فقط در پرتوی چنین جبههٔ متحد و تحقق چنین برنامهٔ مشترکی است که می‌توان دستاوردهای انقلاب خلق ما را حفظ کرد و به خواستهای خلق انقلابی جامهٔ عمل پوشانید.

حزب تودهٔ ایران همه نیروهای انقلابی و در درجهٔ اول همهٔ گروه‌های‌مبارز پیرو راه آیت‌الله خمینی، سازمان مجاهدین خلق، چریکهای فدایی خلق و همهٔ گروه‌های سیاسی و سازمان‌های ملی و دموکراتیک دیگر را به بررسی این پیشنهاد حزب تودهٔ ایران دعوت می‌کند. به‌نوبهٔ خود حزب توده ایران آمادگی خود را برای بررسی هر پیشنهاد دیگری که در این زمینه مطرح گردد اعلام می‌کند.

هم‌میهنان، مبارزان راستین راه خلق!

انقلاب ایران راهی دشوار و سرشار از انواع مخاطرات، توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن در پیش دارد. دشمنان خلق هنوز نیرو و امکان فراوان در اختیار دارند. تاریخ انقلابها به ما می‌آموزد که پیروزی انقلاب به‌مراتب آسانتر از رساندن انقلاب به فرجام است. تجربهٔ انقلابهای اجتماعی بزرگ به ما نشان می‌دهد که دشمن شکست‌خورده در دوران پس از انقلاب سرسختی و مقاومتش ده‌چندان می‌شود. دشمن مردم ایران ـــ ارتجاع و امپریالیسم ـــ درون کشور سرکوب شده ولی بهیچوجه از پای در نیامده است. تنها با وحدت عمل و اتحاد کلیهٔ نیروهای ملی و مترقی، با فداکاری و قاطعیت انقلابی در گزینش برنامه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی درست است که می‌توان بر این دشواری‌ها پیروز شد و دسیسه‌ها و توطئه‌های مخوف اشرار دشمن خلق را عقیم گذاشت.

حزب تودهٔ ایران برای تشکیل جبههٔ متحد خلق تمام نیرو و امکانات خود را بکار خواهد برد.

پیروز باد انقلاب سترگ خلق دلاور ایران!
برقرار باد جبههٔ متحدخلق، نیرومندترین اهرم پیروزی بر دشمن مشترک!
تابناک باد خاطرهٔ شهیدان راه آزادی، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی ایران!

پیام پلنوم شانزدهم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به مردم مبارز و قهرمان ایران

خواهران و برادران رزمنده و قهرمان!

پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، پیروزی انقلاب بزرگ ملی و دموکراتیک ایران را به همهٔ شما، که در این انقلاب شرکت جسته و به تحقق پیروزی آن خدمت کرده‌اید، از پیر و جوان و کودک، زن و مرد، شهری و روستایی، روحانی و غیرروحانی، نظامی و غیرنظامی، از صمیم قلب شادباش می‌گوید.

ما این پیروزی را همچنین به رفقا و هواداران وفادار حزب خود، که سالیان دراز علیه امپریالیسم و استبداد پهلوی با سرسختی و از خود گذشتگی مبارزه کرده‌اند و به‌خاطر این مبارزه آسیب‌های گوناگون دیده، حرمان‌های رنگارنگ کشیده، و در جریان انقلاب کنونی در کنار دیگر نیروها و قشرهای جامعهٔ ایران، دست به پیکار فداکارانه زده‌اند، تبریک می‌گوئیم.

پیروزی بر رژیم ددمنش، فاسد و دست‌نشاندهٔ استبداد سلطنتی پهلوی، که تا دندان مسلح و گرگ مردم‌خوار ساواک پاسدارش بود، کار آسانی نبود. درستی هدف، وحدت عمل ، پیگیری و فداکاری در نبرد، هشیاری و اگاهی اعجاب‌آور اکثریت قریب به تمام مردم که در این انقلاب شرکت جستند، حادثه‌ای را ممکن ساخت که امپریالیسم و ارتجاع جهانی آن را محال می‌پنداشتند.

انقلاب ملی و دموکراتیک ایران نه‌تنها فصل نوی را در تاریخ تکامل اجتماعی ما می‌گشاید و مهم‌ترین رویداد تاریخ معاصر ایرانست، بلکه در مقیاس منطقه و در مقیاس جهانی دارای اهمیت خطیری است.

در جریان این انقلاب همهٔ قشرهای میهن‌پرست و آزادی‌خواه جامعهٔ ایران، هر یک در جای خود، نقش مهم و درخورد آفرینی داشته‌اند. از آن جمله باید از نقش کارگران و کارمندان مؤسسات دولتی و خصوصی نام برد که با ایجاد فلج در دستگاه استبدادی، انهدام آن را تسریع کردند. به‌ویژه باید از نقش برجستهٔ طبقهٔ کارگر قهرمان ایران و در پیشاپیش آن‌ها از نقش کارگران صنعت نفت یاد کرد.

در جریان این انقلاب از میان روحانیت مترقی و مبارز ایران، شخصیت مبرزی مانند آیت‌الله خمینی برخاست که با ابراز سرسختی و هشیاری در اجراء این وظیفهٔ دشوار و بغرنج، احترام قاطبهٔ نیروها را به خود جلب کرد.

در جریان این انقلاب و به‌ویژه در درگیری‌های فوق‌العاده حساس روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه، مبارزان مسلح انقلابی خلق، دوشادوش سربازان، درجه‌داران و افسران انقلابی ارتش، موفق شدند کودتای ضدانقلابی را در نطفه و در مرحلهٔ تدارکی آن خفه کنند و شرایط را برای عقب‌نشینی و تسلیم سران ارتجاعی ارتش شاهنشاهی فراهم سازند. مردم ایران نقش حساس این جانبازان انقلابی را هرگز از یاد نخواهند برد.

پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در برابر همهٔ شهیدان انقلاب در همهٔ شهرها و روستاهای ایران، در مقابل همهٔ شهیدانی که راه این انقلاب را با مبارزهٔ

سراسر ایثار خویش هموار ساختند، سر تعظیم فرود می‌آورد. تاریخ ایران هرگز این جان‌نثاران میهن، خلق و عدالت را از خاطرهٔ خویش نخواهد زدود.

پلنوم کمیتهٔ مرکزی به همهٔ زندانیان سیاسی که طی سالیان دراز، عذاب‌ها و تحقیرهای جلادان و شکنجه‌گران رژیم شاه را دلاورانه تحمل کردند و اکنون انقلاب آن‌ها را به فعالیت اجتماعی و سیاسی بازگردانده، با شور و علاقهٔ فراوان، درود می‌فرستد.

تردیدی نیست که برانداختن رژیم فاسد، خائن، غارتگر وستم‌گر پهلوی و منهدم شدن بسیاری از مواضع سیطرهٔ امپریالیستی کار عظیمی است که انجام پذیرفته است؛ ولی روشن است که این، هنوز همهٔ کار نیست. هنوز تا پیروزی نهائی و مطمئن انقلاب، وظایف بس مهم و پیچیده‌ای در برابر مردم انقلابی کشور ما قرار دارد.

ریشه‌کن کردن قطعی ضدانقلاب و طرد کامل عمال آن، حفظ هشیاری دائمی در مقابل دسایس رنگارنگ امپریالیسم و عمالش، که مایل هستند بدین نحو یا بدان نحو، انقلاب ملی و دموکراتیک را با شکست روبرو سازند و مواضع از دست رفته و آسیب‌دیدهٔ خود را احیاء و ترمیم نمایند، ایجاد نظام جدید بر پایهٔ نیل به استقلال واقعی، دموکراسی، رفاه عمومی، پیشرفت اجتماعی، هر یک وظیفه ایست خطیر و دشوار که حل آن‌ها کماکان در برابر ماست.

تنها و تنها با ادامهٔ وحدت عمل و راه ندادن به تفرقه در صفوف انقلاب، با ادامهٔ حد اعلای فداکاری و هشیاری و احتراز از غفلت و خوشباوری، با ادامهٔ پیگیر راهی که هنوز در پیش است، می‌توان انقلاب ایران را به سرانجام پیروزمندش رساند و از مسخ و سقط شدن و ناقص ماندن و شکست آن جلوگیری کرد. این درس مهمی است که تاریخ انقلاب‌ها در جهان و ایران به ما می‌آموزد.

ما اطمینان داریم مردمی که از عهدهٔ اجراء وظایف بسیار دشوار برانداختن سلطنت مستبده و منهدم کردن بسیاری از مواضع امپریالیسم، با دادن آن‌همه قربانی‌ها و ابراز آن‌همه قهرمانی‌ها برآمده‌اند، از عهدهٔ اجراء وظایف ایجاد نظام جدید، هراندازه هم که این وظایف دشوار و پیچیده باشد، برخواهند آمد.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، به‌نوبهٔ خود، از همهٔ خواهران و برادران هموطن، از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، دانشجویان و روشنفکران، کارمندان، روحانیت مترقی، سرمایه‌داران ملی، ارتشیان انقلابی و میهن‌پرست، از همهٔ خلق‌های میهن ما، اعم از تعلق به هر مذهب یا هر نظریه و گروه سیاسی، دعوت می‌کند، در صف واحد، با حفظ سطح عالی آگاهی و هشیاری نسبت به دسایس غدارانه و ابلیسانهٔ ضدانقلاب، برای رساندن انقلاب به سرانجام قطعی و پیروزمندش از پای ننشینند و درجهٔ بالای رشد اجتماعی خود را به جهانیان نشان دهند و همهٔ حساب‌های امپریالیسم و ارتجاع را که می‌خواهند با توسل به همهٔ حربه‌ها از قساوت بربرمنشانه گرفته تا عوام‌فریبی‌های لیبرال مآبانه، سیطرهٔ خود و دست‌نشاندگان خود را حفظ کنند، به هیچ و پوچ بدل سازند.

پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، پیشنهادهای مشخص خود را در کلیهٔ زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی برای ایجاد تحولات و اصلاحات عمیق به‌سود قشرهای مختلف مردم، به همهٔ نیروها و سازمان‌های انقلابی عرضه داشته است.

ما از همهٔ هموطنان عزیز دعوت می‌کنیم، این پیشنهادهای مشخص را که چاپ و منتشر شده با دقت بررسی کنند. زیرا در مرحلهٔ بغرنج کنونی، داشتن تصور روشنی از مطالبات مشخص انقلابی در همهٔ زمینه‌ها مهم‌ترین شرط تجهیز معنوی جامعه و بسج نیروها علیه ضدانقلابست. اگر در مرحلهٔ کنونی‌سازندگی، انقلاب هدف‌های خود را در هر زمینه به‌موقع و به‌روشنی نشناسد و مطرح نسازد و آن را پیش نبرد، این امر موجب تفرقه می‌شود و خطر بزرگی برای دستاوردهای موجود انقلابی است.

پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در خطاب به همهٔ هم‌میهنان می‌گوید: برای ایجاد ایرانی آزاد، آباد، مستقل، صلح‌دوست، مترقی و دموکراتیک، برای عقیم گذاردن دسایس ضدانقلاب، برای ایجاد شرایط مساعد یک تحول مثبت به‌سود اکثریت مطلق مردم ایران، همه با هم، در جبههٔ متحد خلق، به بیش!

پلنوم کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ـــ اسفندماه ۱۳۵۷

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
حزب تودهٔ ایران فعالیت علنی خود را از سر می‌گیرد

هم‌میهنان!

رژیم خیانتکاری که حزب تودهٔ ایران را، به ارادهٔ امپریالیسم و ارتجاع، به‌زعم خویش «منحله» اعلام کرده بود، اینک خود، در پرتو انقلاب بزرگ مردم ایران، به «منحله» بدل شده است. تصمیمات این رژیم از طرف خلق قهرمان ایران، که منشأ هر قدرتی است، با خشم و نفرت طرد و رد گردیده است. حزب تودهٔ ایران در شرایط ورشکست کامل رژیم دست‌نشاندهٔ امپریالیسم از حق مقدس و لاینفک خویش برای شرکت آزاد و علنی و قانونی در مبارزهٔ بزرگ انقلابی و اجتماعی مردم ایران استفاده می‌کند.

حزب تودهٔ ایران، که طی حیات ۳۷ سالهٔ خود، تنها در کم‌تر از ۸ سال از زندگی علنی برخوردار بود، از همان آغاز تأسیس، پس از سقوط دیکتاتوری بیست‌سالهٔ رضاخان، با عمال استبداد، با فاشیسم، با سیاست‌های نواستعماری امپریالیسم آمریکا و انگلستان، با توطئه‌های ضدخلقی محمدرضا پهلوی و خاندان فاسد وی، با مالکان فئودال، با سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم، و در راه استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی بی‌امان و دلیرانه مبارزه کرد. حزب تودهٔ ایران، که به خلق، و به‌ویژه به زحمتکشان شهر و ده، و در صف مقدم آنان طبقهٔ کارگر ایران، تکیه داشت، منشأ خدمات بزرگ به آگاهی، تشکل، و مبارزهٔ طبقات زحمتکش در راه حقوق حقهٔ خویش گردید. به‌سبب همین سیاست ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی، به‌سبب همین مبارزهٔ خستگی‌ناپذیر در راه استقلال ملی، دموکراسی و پیشرفت اجتماعی، به‌سبب همین ماهیت توده‌ای و خلقی بود که حزب تودهٔ ایران بر اثر توطئهٔ امپریالیسم و ارتجاع، غیرقانونی اعلام گردید.

هدف امپریالیسم و ارتجاع از غیرقانونی کردن حزب تودهٔ ایران این بود که پیوند حزب را با توده‌ها بگسلند، برای سرکوب هر جنبش و سازمان مترقی بهانه‌ای بتراشند، از اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک جلو گیرند و در برابر گسترش جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران سدی بسازند. ولی حزب تودهٔ ایران توانست با ایجاد بزرگ‌ترین سازمان پنهانی، که تاریخ ایران به‌یاد ندارد، با تلفیق کار مخفی و علنی، و به‌رغم شدیدترین فشارها و بزرگ‌ترین دشواری‌ها، نقش شایستهٔ خود را در جنبش ضدامپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران، از جمله در جنبش ملی کردن صنایع نفت، در عقیم گذاردن توطئه‌ها و دسائس امپریالیسم و ارتجاع و در دفاع از حقوق و منافع طبقهٔ کارگر، همهٔ زحمتکشان و عموم خلق ایفاء کند.

پس از کودتای امپریالیستی مرداد ۱۳۳۲، که منجر به سقوط حکومت ملی دکتر مصدق و استقرار رژیم استبدادی وابسته به امپریالیسم محمدرضا پهلوی گردید، حزب تودهٔ ایران، با این‌که هدف شدیدترین فشارهای رژیم ساواکی بود، در صف مقدم مبارزه با این رژیم قرار گرفت، و به‌ویژه با اعلام برنامهٔ خویش، نقش افشاگرانه،

روشنگرانه و بسیج‌کنندهٔ عظیمی بازی کرد که از عوامل مؤثر جنبش انقلابی کنونی مردم ایران است.

در دوران سلطنت ننگین محمدرضا پهلوی، هزاران تن از اعضاء و فعالان حزب زندانی شدند، شکنجه دیدند، شهید شدند، و مجبور به مهاجرت گردیدند، ولی حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، حزب ارانی‌ها، سیامک‌ها، روزبه‌ها، ابراهیمی‌ها، حکمت‌جوها و تیزابی‌ها، پرچم پیکار در راه آرمان مقدس خلق را همواره افراشته نگاه‌داشت.

اینک که جنبش انقلابی، ضدامپریالیستی و دموکراتیک مردم ایران، بر اثر اتحاد، فداکاری و قهرمانی کم‌نظیر مردم ایران به پیروزیهای بزرگی دست یافته، حزب تودهٔ ایران، که به‌نوبهٔ خود تمام نیروی خویش را برای پیروزی این جنبش به‌کار برده و می‌برد، پشتیبانی مجدد خود را از حضرت آیت‌الله العظمی خمینی و برنامهٔ ایشان به‌خاطر استقرار جمهوری، تشکیل مجلس مؤسسان بر پایهٔ ارادهٔ آزاد و عمومی مردم، تدوین قانون اساسی جدید، تشکیل دولت ملی و دموکراتیک، طرد امپریالیسم، به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا، تأمین استقلال ملی، حفظ تمامیت ارضی، استقرار حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، سالم سازی اقتصاد ملی و بهبود زندگی مردم ـــ که برنامهٔ حزب تودهٔ ایران در مرحلهٔ کنونی انقلاب نیز هست، اعلام می‌دارد.

حزب تودهٔ ایران شرط مقدم نیل به هدف‌های جنبش انقلابی مردم ایران را اتحاد همهٔ نیروهای شرکت کننده در این جنبش، صرف‌نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسکی و فلسفی می‌داند و از همین جاست که دست دوستی و اتحاد به‌سوی سایر نیروهای ملی و دموکراتیک، دیگر احزاب، سازمان‌ها، گروه‌ها و شخصیت‌های ملی و دموکراتیک، و در پیشاپیش آنان، حضرت آیت‌الله العظمی خمینی و هوادارانشان دراز کرده است.

جامعهٔ ما به خاطر تکامل سالم و سریع خویش، به وجود حزبی مبارز، آگاه، خلاق و دارای پایگاه اجتماعی محکم، چون حزب تودهٔ ایران، نیاز حیاتی دارد.

ما اطمینان داریم که زحمتکشان شهر و ده، و در پیشاپیش آنان طبقهٔ کارگر آگاه و قهرمان ایران، فعالیت علنی حزب تودهٔ ایران را حادثهٔ خجسته‌ای خواهند شمرد و از حزب خود با تمام نیرو پشتیبانی خواهند کرد. ما امیدواریم که نیروهای ملی و دموکراتیک دیگر جامعه نیز، با همین برخورد، با تجدید فعالیت علنی حزب ما روبرو شوند، چنان‌که ما نیز فعالیت علنی و حقوق دموکراتیک آنان را با همین دیده می‌نگریم.

حزب تودهٔ ایران از همهٔ رفقا و دوستان و هواداران خویش می‌خواهد که با نظم و انضباط، با درک و آگاهی، با اصولیت و پیکارجوئی، چنان‌که درخورد حزبی دارای سنت طولانی مبارزه و نامی پراعتبار و تجارب غنی است، برای احیاء هرچه سریع‌تر سازمان‌های حزبی در همهٔ شهرها و شهرک‌ها و روستاها، در همهٔ کارخانه‌ها، ادارات و بنگاه‌ها، در همهٔ مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، با خردمندی، متانت، استواری و پیگیری عمل کنند. ما راهی دراز و دشوار و پرافتخار در پیش داریم. به‌سبب صداقت، صمیمیت، استواری و پیگیری ما نسبت به منافع مردم، مسلماً مردم دوست، پشتیبان و تکیه‌گاه ما هستند، و این خود ضامن کامیابی‌های روزافزون ماست. در عین حال به‌سبب همین صداقت، صمیمیت، استواری و پیگیری نسبت به منافع مردم، ما، در وجود امپریالیسم و ارتجاع و عمال آن‌ها،

دشمنان رنگارنگی خواهیم داشت که با شیوه‌های گوناگون با ما ستیز خواهند جست و لذا ضرور است که با هشیاری و دیدهٔ باز، نیرنگ‌ها و توطئه‌های خصمانهٔ آن‌ها را عقیم گذاریم و با جسارت و خردمندی با آن‌ها مقابله کنیم.

باید خود را سزاوار نام توده‌ای، سزاوار خون گلرنک شهیدان حزب و انقلاب، سزاوار جهان‌بینی مترقی و منطقی علمی خود نشان دهیم! باید همه‌جا عامل اتحاد نیروهای ملی و دموکراتیک باشیم! باید همه‌جا در رده‌های اول نبرد ضدامپریالیستی و دموکراتیک بایستیم! باید همه‌جا نمونهٔ فکر و عمل و رفتار درست قرار گیریم! باید همه‌جا به کام خلق برویم! باید همه‌جا نام توده‌ای را سرفراز کنیم!

حزب تودهٔ ایران دوران نوین فعالیت علنی خود را با بهره‌جوئی از تجارب غنی گذشته و با اعتماد به یاری و پشتیبانی مردم آغاز می‌کند.

ـــ افتخار جاویدان به مردم قهرمان ایران!
ـــ زنده باد حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ـــ ۲۳ بهمن ۱۳۵۷